

هشدار امام!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد))

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

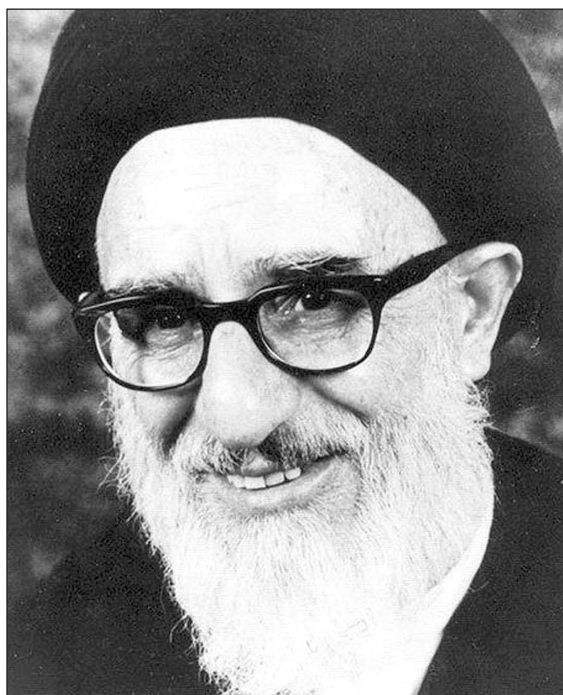


سال سی و دوم / شماره ۱۳

شماره مسلسل ۱۴۱۲

نیمه اول مهر ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان



در بزرگداشت سالروز رحلت ابودر زمان و مفسر کبیر قرآن،

آیت الله سید محمود طالقانی:

تجسم عینی پرتوی از قرآن

صفحه ۶

اخوان المسلمین

در

نگاهی دیگر...

استاد سیدهادی خسروشاهی

صفحه ۱۰



گفت و گو با آیت الله حاج شیخ

عزیز الله عطاردی:

... و عشق، اینگونه

معجزه می کند

صفحه ۷



شیخ نعیم قاسم تشریح کرد:

نقشه های غرب

برای انحراف

بیداری اسلامی

صفحه ۳



حجت الاسلام والمسلمین قرائتی:

کسی برای احیای

واجبات فراموش شده

احساس تکلیف

نمی کند

صفحه ۹



کارشناس مسائل خاورمیانه عنوان کرد:

نمایش ناپختگی

سیاسی اردوغان

در مصر

صفحه ۴



پیام تسلیت مجمع

جهانی تقریب مذاهب

اسلامی به مناسبت

شهادت استاد

برهان الدین ربانی

صفحه ۲



حجت الاسلام میر تاج الدینی در همایش استاد شهریار:

اشعار عرفانی استاد شهریار حاصل هم نشینی با علامه طباطبایی بود

وی با بیان این که مضامین دینی و قرآنی در اشعار استاد شهریار موج می زند، تصریح کرد: استاد در مضامین آثار ماندگار خود از قرآن مدد می گرفت و در تسکین مشکلات زندگی با کتاب وحی آرامش می یافت، چنان که در اشعار وی مفاهیم و معارف قرآن به صورت موجز و زیبا آمده است.

معاون پارلمانی رئیس جمهور شعراي متعهد و متدین را واسطه فیض الهی برای بشر دانست و گفت: ظهور شعراي همچون استاد شهریار فرصتی برای کسب معرفت الهی برای بشریت است، تا بتواند با زبان رسا و زیبایی شعر و ادب به سوی معنویت و عرفان حقیقی حرکت کند.

وی در پایان با اشاره به ویژگی های اشعار استاد شهریار گفت: استاد سیدمحمدحسین بهجت تبریزی به سه زبان زنده جهان جهان یعنی عربی، فارسی و ترکی آذری شعر سروده که کمتر شاعری توانسته در این حد آثاری ماندگار از خود به یادگار بگذارد.

همچنین پرویز آژیده، معاون سیاسی امنیتی استاندار آذربایجان شرقی در سخنانی با اشاره به اشعار استاد شهریار با مضامین وحدت ملی اظهار داشت که آن استاد شعر و ادب ایران زمین، عاشق مکتب اهل بیت عصمت و طهارت بود آمیختگی هویت اسلامی و ایرانی در مکتب استاد به وضوح قابل مشاهده است.

وی با اشاره به تاکید اشعار استاد شهریار بر وحدت ملی و اعلام انزجار از فرهنگ وارداتی غرب افزود: اشعار ترکی و فارسی استاد شهریار نشان از تعلق خاطر آن شاعر بلندمرتبه ایران اسلامی به همگرایی و وحدت ملی بوده است.

حجت الاسلام میر تاج الدینی گفت: شهریار با علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان هم حجره بوده و اشعاری با مضامین قرآنی از سوی استاد نشان می دهد که رازهایی میان آن دو بزرگوار وجود داشته است.

همایش ملی بزرگداشت استاد شهریار و پاسداشت روز ملی شعر و ادب فارسی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون پارلمانی رئیس جمهوری در سالن اقبال آذر مجتمع فرهنگی هنری ۲۹ بهمن تبریز برگزار شد.

حجت الاسلام سید محمدرضا میر تاج الدینی، معاون پارلمانی رئیس جمهور در سخنانی با بیان این که اشعار استاد شهریار تجلی دین مداری، دوستداری اهل بیت و عرفان حقیقی آن شاعر پرآوازه معاصر بوده است، اظهار داشت: عشق به اهل بیت و عرفان، استاد سیدمحمدحسین بهجت تبریزی را محبوب دل ها کرده است.

وی با تشریح بخش هایی از دوران زندگانی مرحوم استاد شهریار در تبریز و تهران خاطر نشان کرد: استاد در خانواده ای مذهبی از همان دوران کودکی با زمزمه های دینی، زبان باز کرده و محب اهل بیت بود که شعر هفت سالگی او نشانی از این علاقه به ائمه اطهار(ع) است.

حجت الاسلام میر تاج الدینی با بیان این که استاد شهریار در تحصیل علوم دینی و حوزوی نیز از نوابغ روزگار بوده است، ادامه داد: مرحوم شهریار با علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان هم حجره بوده و اشعاری با مضامین قرآنی از سوی استاد نشان می دهد که رازهایی میان آن دو بزرگوار وجود داشته است.

طلاب برای پاک ماندن قید برنامه های صدا و سیما را بزنند

که اهل علم اگر می خواهند موثر باشند، باید به معنای واقعی ملا باشند و البته ملا بودن تنها هم کافی نیست.

وی تاکید کرد: در کنار ملا بودن و سواد داشتن باید پاک باشیم و تقوا داشته باشیم تا بتوانیم در محیط و جامعه خود اثرگذار باشیم.

امام جمعه قم اظهار کرد: در این دوران این گونه نیست که کسی تصور کند با داشتن لباس روحانیت و عمامه می تواند مفید و اثرگذار باشد باید علاوه بر این ها دنبال تقوا هم باشیم.

وی ادامه داد: طلبه اگر به مردم می گوید "دنبال دنیا نباشید" باید خودش هم دنبال دنیا نباشد و تهذیب نفس را رعایت کند.

وی افراط و تفریط را امری مذموم و ناپسند دانست و گفت: افراط و تفریط در هیچ کاری در زندگی جواب نمی دهد و اگر بخواهید بمانید و موثر باشید باید در همه امور حد وسط را رعایت کنید.

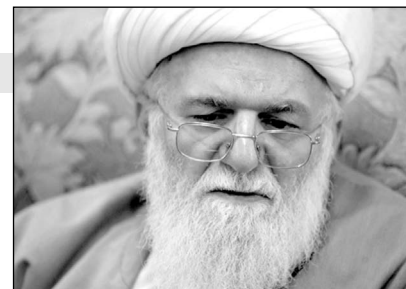
استادی تاکید کرد: در امور سیاسی و در قضاوت درباره دیگران، افراد، گروه ها و به ویژه عالمان، باید جانب اعتدال را رعایت کرد تا دچار کج سلیقگی و شذوذ نشویم.

امام جمعه قم گفت: یک طلبه جوان اگر بخواهد همیشه پاکی ها در ذهنش باشد، باید قید این برنامه های تصویری و مجلاتی که پر از زندگی هنرپیشه ها دست بکشد و سراغ کتاب هایی که در ذهن او شبهه ایجاد می کند، نرود. وی تاکید کرد: در کنار ملا بودن و سواد داشتن باید پاک باشیم و تقوا داشته باشیم تا بتوانیم در محیط و جامعه خود اثرگذار باشیم.

آیت الله رضا استادی، در مراسم آغاز سال تحصیلی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) با بیان این مطلب تصریح کرد: مشکلی که بسیاری از جوان ها و شاید طلاب دارند این است که خطورات بد به قلب آن ها نفوذ می کند که خودشان هم دوست ندارند، لذا اگر بخواهیم از این بلاها نجات پیدا کنیم باید از خوب و بد برنامه های تصویری صدا و سیما فاصله بگیریم.

وی افزود: طلبه نمی تواند با هر کتاب، مقاله و مجله ای مانوس باشد و بعد هم توقع داشته باشد که در زندگی پاک بماند.

استادی با اشاره به وضعیت عصر کنونی بیان کرد: در زمانی که سر می بریم



دعوت به تقریب مذاهب بر پایه ها و اصول فکری متعددی مبتنی است که همه ریشه در کتاب و سنت دارد و یا از پشتوانه رعایت مصالح امت که امری مورد پذیرش عقلا است برخوردار می باشد، برخی از این مبانی عبارت اند از:

۱- اصول مشترک

تعدد مذاهب به طور طبیعی نشان از اختلاف مسلمانان در پاره ای از باورهای کلامی و فقهی دارد. که این نتیجه طبیعی آزادی اجتهاد و اختلاف انسانها در برداشتهای فکری تحت تأثیر ظروف و شرایط تربیتی است. ولی نباید فراموش کرد که اصول اعتقادی، کلامی، فقهی و اخلاقی ما وجه اشتراک بسیار دارد. برخی از علما مشترکات را تا ۹۵ درصد در امور فقهی و حتی اعتقادی برآورد می کنند. این امر در مورد امور اخلاقی تقریباً به صد در صد می رسد.

در اصول و پایه های عقیدتی، ایمان به خداوند متعال، صفات الهی، ارسال رسل، انزال کتب، بهشت، جهنم، جزای اعمال و... و نیز ضروریات شریعت از نماز و روزه و قبله، حج و زکات و امر به معروف و نهی از منکر همه یک نوع می اندیشیم و باور داریم. اختلاف، در فروع و شاخه های این مسائل است؛ مثل توحید صفات، حدود عصمت، اجزای وضو و... تکیه بر اصول و عناصر مشترک در عقیده و عمل از ارکان وحدت اسلامی و تقریب مذاهب است.

۲- اصل وحدت

اصل وحدت مسلمانان و امت واحده بودن آنان ریشه در قرآن و سنت نبوی و سیره ائمه مسلمین دارد. گذشته از آیات فراوان و روایات بسیار که ضرورتی برای ذکر و تکرار آن نمی بینیم سیره امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم صلوات اله اجمعین الگوی عملی لازم الاتباع ما است. امیرالمؤمنین با اینکه بطور قطع خلافت را حق خود می دانست اما می فرمود:

فلما مضی علیه السلام تنازع المسلمون الامر من بعده. فو الله ما كان يلقي في روعي ولا يخطر ببالي ان العرب تزعج هذا الامر من بعده - صلى الله عليه و آله وسلم - عن اهل بيته ولا انهم منحوه عني من بعده. فما راعني الا انثيال الناس على فلان يبايعونه فامسكت يدي حتى رأيت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام يدعون الى محق دين محمد - صلى الله عليه و آله وسلم - فخشيت ان لم انصر الاسلام واهله ان ارى فيه ثلما او هدمًا تكون المصيبة به على اعظم من فوت ولايتكم التي انما هي متاع ايام قلائل، يزول منها ماكان، كما يزول السراب، او كما يتفشع السحاب فنهضت في تلك الاحداث حتى زاح الباطل وزهق واطمان الدين وتنهنه.

(ترسیدم اگر اسلام و اهلس را یاری نکنم باید شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم که مصیبت آن برای من از رها ساختن خلافت و حکومت بر شما بزرگتر بود چرا که این بهره دوران کوتاه زندگی دنیا است، که زایل و تمام می شود. همان طور که سراب تمام می شود و یا همچون ابرهائی که از هم می پاشند. پس برای دفع این حوادث به پا خاستم تا باطل از میان رفت و نابود شد و دین پابرجا و محکم گردید)

والبته که آن حضرت در تمامی مدت خلافت خلفا بر بیعتش وفادار بود. خیرخواهی جامعه اسلامی، نصیحت خلفا، ارائه مشورت صادقانه به آنها، اجازه به اصحاب و یارانش برای تصدی منصبهای حکومتی و کمک به خلفا و... همه نشان از تقدم مصالح عامه بر منافع شخصی بود.

این شیوه در سیره فرزندان آن حضرت امام مجتبی و امام حسین و نیز امام چهارم زین العابدین و امام باقر علیهم السلام ادامه یافت. دعای امام چهارم برای اهل ثغور در صحیفه طحیه اش و نیز کمک امام باقر به دولت اموی در امر ایجاد سکه رایج اسلامی گواه این امر است.

۳- اصل اخوت و برادری بین مسلمانان

شیوه رفتار ائمه معصومین با مخالفین و سفارش هایشان به شیعیان برای حسن همزیستی و حفظ روابط برادرانه بیشتر از آن است که در این مختصر بگنجد ولی از باب نمونه به چند حدیث شریف این گفتار را متبرک می سازم.

رئیس مجمع علمای مالزی:

ظرفیت بیداری اسلامی باید در مقابله با رژیم صهیونیستی به کار گرفته شود

متأسفانه در حال حاضر چندان مشاهده نمی شود. رئیس مجمع علمای مالزی تصریح کرد: پیش از این نیز باید گفت که اساس مشکلات در جهان اسلام بیشتر به عوامل خارجی و طراحی هایی که صورت می گیرد، بازمی گردد. پس از شناخت این موانع باید اراده سیاسی لازم را برای همگرایی ایجاد کرد.

عبدالغنی شمس الدین در ادامه ضرورت ایجاد حساسیت درخصوص بیداری اسلامی و پرهیز از افراط و زندگی مسالمت آمیز در کنار هم را از عوامل مهم دانست و گفت: بر اساس آموزه های اسلامی، مسلمانان باید پرهیز از اختلاف را همواره سرلوحه افکار و رفتار خود قرار دهند.

رئیس مجمع علمای مالزی گفت: برای استفاده از ظرفیت جریان بیداری اسلامی باید ابتدا فهم درستی از آن ایجاد شود و مسلمانان و کشورهای اسلامی از سوءظن به یکدیگر پرهیز کنند. تأکید بر نقاط اشتراک و گفت و گو در موارد اختلافی از دیگر اقدامات مؤثر در این راه است.

عبدالغنی شمس الدین تصریح کرد: علاوه بر

پایه های فکری تقریب

به قلم: آیت الله تسخیری

- عن ابی عبدالله (علیه السلام) انه قال: من صلی معهم فی الصف الاول کان کمن صلی خلف رسول الله (صلی الله علیه و آله) فی الصف الاول (وسائل، ج ۸، باب ۸، ص ۲۹۹)

(هرکس با آنها در صف اول نماز گزارد به سان این است که پشت سر پیامبر خدا(ص) در صف اول نماز خوانده)

- وعنه علیه السلام: اوصیکم بتقوی الله عزوجل ولا تحملوا الناس علی اکتافکم فتذلوا ان الله تبارک وتعالی یقول فی کتابه "وقولوا للناس حسناً" ثم قال: عودوا مرضاهم واشهدوا جنازتهم. واشهدوا لهم وعليهم، وصلوا معهم فی مساجدهم (وسائل، ج ۸، باب ۵، ص ۸، ص ۳۰۱)

(بر شما وصیت می کنم تقوای خدا را و این مردم را بر پشت خود سوار نکنید تا در جامعه ذلیل باشید) کاری نکنید که مورد تحقیر و بدبینی افراد این جامعه باشید؛ زیرا خداوند در کتاب خود می فرماید: به مردم نیک بگویید. سپس فرمود مریض های آنان را عیادت و در تشییع جنازه شان شرکت کنید و در اختلافاتشان شهادت بدهید. و با آنها در مساجدشان نماز بخوانید)

۴- مصالح عالیه امت اسلامی

شکی نیست که شیوه رفتاری امیرمؤمنان با خلفای هم عصر خویش و نیز سفارشات ائمه معصومین علیهم السلام به شیعیان علاوه بر همه ریشه های قرآنی مبتنی بر یک اصل اساسی بوده و آن تقدم مصالح امت اسلام بر مصالح و منافع شخصی، گروهی و حتی مذهبی. امروزه نیز که تهاجم و تکالب استکبار بر امت اسلام سراسر جهان اسلام از شرق آسیا تا غرب افریقا و در خود آمریکا و اروپا اقلیت های اسلامی را فرا گرفته و به اصطلاح دشمن بیخ گوش ما در کمین نشسته قطعاً مصلحت ما در ائتلاف، ترک منارعه، همکاری و تعاون است نه در اختلاف و تنازع و خرده گیری از یکدیگر. این شیوه ای است که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیة پیوسته به آن سفارش می فرمودند و در فتاوی ایشان مخصوصاً پیرامون احکام حج، نماز جماعت و... پایبندی به آن کاملاً آشکار و روشن است.

پیام تسلیت مجمع جهانی

تقریب مذاهب اسلامی به

مناسبت شهادت استاد

برهان الدین ربانی



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پی شهادت استاد برهان الدین ربانی پیام تسلیتی صادر کرد.

در این پیام آمده است:

بار دیگر حمله تروریستی دست های شیطانی استکبار که منجر به شهادت مجاهد گرانقدر استاد برهان الدین ربانی عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و رئیس شورای عالی صلح افغانستان شد، موجب تأثر و تأسف گردید.

این قبیل اعمال ددمنشانه تروریست ها در راستای ناامن نمودن فضای داخلی و تضعیف وحدت ملی و انسجام اسلامی کشور افغانستان و تحقق اهداف استکبار جهان و ارتجاع منطقه صورت می گیرد که می توان با حفظ هوشیاری و صبر از حرکات اختلافی پرهیز کرد.

برهان الدین ربانی از شخصیت های برجسته و صاحب نفوذ کشور دوست و برادر افغانستان بود که در سراسر عمر به تلاش در راه استقلال و وحدت اقوام و تقریب مذاهب اسلامی پرداخت و نقش مؤثری در شکل گیری طیف اسلام گرای معتدل در مقابل جریان افراطی و متحجر در دوران حاکمیت طالبان و پس از آن داشت. بدون شک این جریان اسلامی اصیل تقریبی و شخص شهید ربانی در ایجاد صلح و ثبات در افغانستان و شکل گیری نهادهای قانونی اعم از دولت و پارلمان در دوران ده ساله پس از سقوط طالبان نقش زیادی ایفا نمود.

مجاهد و مبارز نستوه برهان الدین ربانی متولد ۱۳۱۸ ه.ش در شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان افغانستان است. وی رهبر حزب جمعیت اسلامی افغانستان، رئیس جمهور اسبق این کشور و نماینده کنونی مجلس نمایندگان افغانستان از ولایت بدخشان بود و در افغانستان به استاد ربانی و پروفیسور ربانی نیز مشهور است. او در سال ۱۹۶۳ از دانشکده شرعیات (الهیات) کابل فارغ التحصیل شده و در سال ۱۹۶۸ به خاطر ادامه تحصیلات عالی به مصر رفت و در

دانشگاه الازهر به تحصیل پرداخت. وی در مصر تحت تأثیر اندیشه های اخوان المسلمین قرار گرفت. حزب او یکی از قوی ترین احزاب سیاسی در کنار دیگر احزاب مخالف دولت افغانستان بود.

ربانی تا پایان حکومت های تحت الحمایه شوروی سابق همواره با آن حکومت ها درگیر و خواهان خروج نیروهای شوروی سابق از افغانستان و سپردن حکومت به مجاهدین افغان بود.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن محکوم نمودن این حادثه تروریستی، این فاجعه دردناک را به ملت افغانستان و همه سوگواران تسلیت گفته و تأکید می ورزد این قبیل حوادث اسفناک هرگز نمی تواند در روند وحدت و تقریب مذاهب اسلامی و ارزش های والای آن کوچکترین خدشه و خللی وارد آورد.

خداوند متعال او را غریق رحمت بی منتهایش بفرماید و پرتوی از روح بلندش را بر کالبد ملت های مسلمان بتاباند و همه ما را در راه پرفروغ او که جهاد و شهادت است، ثابت قدم نگه دارد.

شیخ نعیم قاسم تشریح کرد:

نقشه‌های غرب برای انحراف بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران شروع شد و با پیروزی انقلابیون لبنان ادامه یافت و سپس به مسلمانان جهان رسید؛ لذا ما با یک بیداری قدرتمند بر انتشار و گسترش در تمام جهان مواجه هستیم؛ اما دشمنان همچنان مانع این رشد می‌شوند.

وی خاطر نشان کرد: ما می‌دانیم که حسنی مبارک دست نشانده استکبار جهانی و اسرائیل در منطقه بود و به کوری چشم آمریکا و اسرائیل سقوط کرد، سقوط مبارک در مصر به این معناست که انقلاب ملی مردم مصر یک حرکت درست در مقابله با حکومت مستبد این کشور بوده است، بنابراین نمی‌توانیم حرکت مردم مصر را به آمریکا یا هر قدرت دیگر منسوب کنیم این اهانت بزرگی به مردم مصر است.

شیخ نعیم قاسم در ادامه گفت: سقوط حکومت ظلم در مصر در ابتدا توسط آمریکایی‌ها و به منظور سرقت دست آوردهای انقلاب صورت گرفت، و ما اکنون با این سرقت عظیم روبرو هستیم، لذا رهبران انقلاب و مردم مصر باید این مسئله را پیگیری نموده و اجازه ندهند انقلابشان به غارت برود.

وی در خصوص تسخیر سفارت اسرائیل توسط مردم مصر گفت: ما دیدیم که ملت مصر چگونه با یک حرکت خودجوش سفارت اسرائیل را تسخیر کردند و این نشان می‌دهد که ملت مصر با وجود اینکه بیش از ۳۰ سال تحت سلطه صهیونیست‌ها بودند، همچنان دشمن اسرائیل هستند و ما آرزو می‌کنیم هیچ قدرتی نتواند انقلاب این ملت را به سرقت ببرد.

شیخ قاسم در پاسخ به کسانی که عقیده دارند

جانشین دبیرکل حزب الله لبنان تأکید کرد: تلاش برای ایجاد فتنه شیعه و سنی در میان مسلمانان یکی از مشکلاتی است که در مسیر بیداری اسلامی وجود دارد.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ "نعیم قاسم" در گفت‌وگو با تقریب با بیان این جمله که "ما با دو مشکل در مسیر بیداری اسلامی مواجه هستیم" در توضیح این مطلب گفت: مشکل اول، نقشه‌های دشمنان برای ایجاد مانع بر سر راه انقلاب‌ها و سرکوب آنهاست و مشکل دوم، تلاش برای ایجاد فتنه شیعه و سنی در میان مسلمانان است.

وی درباره مشکل اول، با بیان اینکه توطئه‌های دشمنان امری قابل انتظار است، تأکید کرد: باید مراقب این توطئه‌ها چه از طریق رسانه‌ها یا دخالت‌های نظامی و یا تهاجم فرهنگی باشیم و از این بیداری حمایت کنیم.

شیخ نعیم قاسم درخصوص مشکل دوم یعنی "ایجاد فتنه بین شیعه و سنی" افزود: ما موفق شده‌ایم که از انتشار این فتنه جلوگیری کنیم و باید این روش را ادامه دهیم، چراکه موتور فتنه تنها دشمنان ما نیستند بلکه بدفهمی برخی از مسلمانان که اعتقاد دارند فتنه برای اهداف آنان و جمع شدن مردم به دور یکدیگر سودمند است، نیز عامل فتنه است.

جانشین دبیرکل حزب الله لبنان در مورد بیداری اسلامی در منطقه افزود: بیداری اسلامی روز به روز قوت می‌یابد و یکی از عوامل قوت آن، استقامت و اقدامات واقعی در جهت این بیداری است که از پیروزی

رئیس مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور:

شیعه و سنی با مذهب دروغین «وهابیت» مخالفند

جهان در حال تغییر و پیشرفت است و یک عالم دانا نباید از علوم و تکنولوژی روز بی‌خبر باشد. وی با بیان اینکه رسول مکرم اسلام(ص) سالها برای اتحاد و همدلی قبائل مختلف تلاش نموده‌اند، افزود: ایشان بین افراد از قبائل گوناگون الفت و برادری ایجاد کرده و امت واحد اسلامی را تشکیل دادند و امروز دشمنان قسم خورده اسلام سعی دارند این امت واحد را به مذهب کوچکتر تفکیک نمایند.

عامری افزود: هدف این دشمنان خدمت به مذاهب ایجاد شده نیست، بلکه آنان به دنبال تضعیف مذاهب و نابودی آن هستند چراکه آنان مخالف اصل اسلام هستند.

وی، خطر ایجاد مذاهب مختلف را به مراتب خطرناکتر از دشمنی رو در رو برشمرد و اظهار

رایزن فرهنگی ایران در انگلستان عنوان کرد:

تعامل خوب شیعیان و اهل تسنن در انگلیس

حلمی با اشاره به ارتباط نمایندگی فرهنگی ایران با شورای ملی مسلمانان بریتانیا (ام. سی. بی) خاطر نشان کرد: نمایندگی فرهنگی ما به طور مرتب نشست‌هایی را با این شورا برگزار می‌کند و با تشکل‌های شیعه و سنی نیز ملاقات‌هایی انجام می‌دهد.

وی با ابراز رضایت از تعامل خوب جامعه اهل سنت و شیعیان در لندن تصریح کرد: ما با همکاری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و حضور آیت الله تسخیری سمنینارهای مختلفی را با حضور گروه‌های شیعه و سنی

رئیس مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور گفت: علمای دین برای مقابله با سیل هجمه‌ها و ترندهای دشمنان اسلام، نیازمند تسلط بر علوم روز هستند.

حجت الاسلام والمسلمین ابوالفضل عامری، در آئین جشن فارغ التحصیلی طلاب حوزه علمیه اهل سنت سیفیه قلندرآباد گنبد کاووس اظهار داشت: مجهز بودن علما، اساتید و مدارس علوم دینی به تکنولوژی و فنون روز امری اجتناب ناپذیر است.

رئیس دفتر نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت استان‌های گلستان و گیلان، با بیان اینکه مدارس علوم دینی باید طلابی را تربیت نمایند که دین را به خوبی درک نموده و به علوم روز مجهز و مسلط باشند، تأکید کرد:

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی:

به شعارهای تقریبی دل خوش نکنیم

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در نشست با علامه میرزا یوسف حسین، امام جمعه مرکزی شیعیان کراچی و رییس کمیته اجرایی شیعیان پاکستان که در قم برگزار شد، با اشاره به ضرورت عبور جهان اسلام از اکتفای صرف به شعارهای تقریبی، گفت: برای تشکیل جامعه اسلامی مشترک، باید تحقق شعارها و اقدامات تقریبی در دستور کار مسلمانان قرار گیرد.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی خاطر نشان کرد: با توجه به شرایط و تحولات جدید جهان اسلام، باید وارد مرحله عملی تقریب شویم؛ چون اگر خدای ناکرده شخصیت‌ها و رجال ما تنها به شعارهای تقریبی اکتفا کنند، تقریب نه تنها سودمند نخواهد بود، بلکه به ضد خود تبدیل خواهد شد.

وی یادآور شد: هم اکنون جهان اسلام در مرحله ای قرار گرفته است که باید کار و فعالیت مشترک تقریبی داشته باشد و این کار مشترک، انعکاس و بازتاب جامعه شیعه و سنی است که می‌بایست در کنار هم تشکیل و یک زندگی مسالمت آمیز و وحدت گرایانه داشته باشند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی خاطر نشان کرد: اقدامات و فعالیت‌های مشترک شیعه و سنی، مسیری را ایجاد خواهد کرد که مسلمانان با هر مذهبی در کنار هم، کار مشترک انجام دهند.

جامعه مشترک به معنای رهای مذهب نیست

استاد حوزه علمیه قم تأکید کرد: جامعه مشترک شیعه و سنی به معنای آن نیست که پیروان یک مذهب اعمال، مناسک و مذهب خود را رها کنند، بلکه آنها می‌توانند با تمام توان اعتقادات خود را داشته باشد، ولی وقتی کار به مناسبات اجتماعی می‌رسد، جامعه مشترک اسلامی و امت واحد در برابر دشمنان باشند.

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی خاطر نشان کرد: این امت واحد و جامعه مشترک اسلامی در زمان پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) تشکیل شده بود.

وی یادآور شد: ما نباید تنها دلمان را به شعارهای تقریب خوش کنیم، چرا که شعار صرف تقریبی، به ضرر جهان اسلام تمام خواهد شد.

این محقق و پژوهشگر حوزوی با اشاره به اهمیت و ضرورت تقریب در پاکستان، گفت: تقریب در پاکستان به دلایل مختلف اهمیت دارد؛ نخست این که این کشور در صف مقدم نیاز به یک گرایش تقریبی قرار دارد و اگر بخواهیم مناطق نیازمند تقریب را شناسایی کنیم، قطعاً پاکستان در اولویت این نیازها قرار دارد.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی تأکید کرد: اختلافاتی که در پاکستان وجود دارد تنها در پرتو تقریب برطرف خواهد شد؛ بنابراین باید با تقریب میان مسلمانان این کشور وحدت ایجاد کرد.

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی خاطر نشان کرد: اگر تقریب در پاکستان سامان پیدا کند بازتاب، منافع و نتایج آن تنها در این کشور باقی نخواهد ماند، بلکه آثار درخشان آن سایر کشورها و مناطق را در برمی‌گیرد.

شخصیت‌های ایفا نقش کنند

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی یادآور شد: در پاکستان رجال و شخصیت‌های تقریبی مستعدی اعم از شیعه و سنی وجود دارند که ذهنیت، استعداد و آمادگی ایفای نقش سازنده تقریبی در سطح بالا را دارند و این خود دلیلی است که تقریب در این کشور اسلامی ضرورت پیدا می‌کند. این محقق و پژوهشگر حوزوی، عمل به تقریب را دارای زمینه‌های مختلف دانسته و گفت: یکی از زمینه‌های تقریب این است که شیعه و سنی کارهای مشترک انجام دهند به عنوان نمونه با هم مجله و دانشگاه‌های مشترک داشته باشند، نباید وضعیت به گونه‌ای باشد که در برخی حوزه‌ها، شیعه یا اهل تسنن به تنهایی تصدی‌گری کنند، بلکه در عمل تقریبی، همه باید با هم کار مشترک انجام دهیم.

امام جمعه کراچی پاکستان نیز در این نشست گزارشی از فعالیت‌های تقریبی در این کشور ارائه داد.

آمریکا حامی انقلاب‌های کنونی بوده است، گفت: همه می‌دانند که آمریکا و غرب از این انقلاب‌ها از جمله انقلاب مصر بهت زده شدند. جانشین دبیرکل حزب الله لبنان در خصوص حمایت غرب از برخی انقلاب‌های عربی و عدم حمایت از برخی دیگر ادامه داد: من حمایت غرب از برخی انقلاب‌ها را نمی‌پذیرم چراکه غرب همواره به منافع خود کار می‌کند و هر جا که مصلحت اقتضا کند تا در کنار ملت لیبی باشد این کار را به خاطر منافع خود انجام می‌دهد و هر جا که مصلحت اقتضا کند تا در مقابل ملت بحرین بایستد، این کار را انجام خواهد داد. لذا این مسئله با انقلاب‌های مردمی ارتباطی ندارد.

شیخ نعیم قاسم در زمینه نقش حزب الله در این انقلاب‌ها و بیداری اسلامی تصریح کرد: حزب الله از ابتدا تصمیم خود را بر آن قرار داد که حرکت‌هایش در لبنان محصور باشد تا بر ملت‌های دیگر منطقه تأثیر نگذارد. زیرا هر ملتی مسئول کشور خود می‌باشد. با این وجود حرکت حزب الله نمونه‌ای بود که هر قیام‌کننده‌ای را ترغیب می‌کرد. حزب الله نشان داد که عده‌ای کم می‌توانند بر عده‌ای بسیار، پیروز شوند و نمونه استقامت و ایمان بود و نشان داد که می‌توان توطئه‌های استکبار را خنثی کرد و تجربه اصیل اسلامی و روش اهل بیت(ع) را ارائه داد. اما در نهایت، این خود ملت‌ها بودند که با رهبری رهبران خود و استفاده از تجربیات دیگران از جمله حزب الله، انقلاب کردند و پیروز شدند.

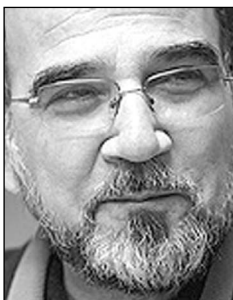
داشت: "وهابیت" یکی از این مذاهب دروغین و ایجادی است که شیعه و سنی با آن مخالف هستند. رئیس مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور با اشاره به فتوای یکی از مفتی‌های وهابی عربستان مبنی بر اینکه دختر نمی‌تواند به تنهایی با پدرش هم‌صحبت شود و باید مادر حضور داشته باشد، گفت: این فتوا نه تنها با هیچ یک از احکام دین، قرآن و سنت پیامبر(ص) مطابقت ندارد، بلکه یک حرکت ضد اسلامی و ضد دینی محسوب می‌شود.

عامری، وظیفه مدارس علوم دینی را نیز مهم و حیاتی دانست و افزود: امروز مدارس علوم دینی باید طلابی را تربیت کنند که علاوه بر تحصیل علوم دینی خود با علوم روز و هجمه‌های جهانی کاملاً آشنا باشد و باید از حالت سنتی صرف خارج شود.

برگزار کردیم و شخصیت‌های بزرگی از جهان اسلام از کشورهای اروپایی و آسیایی در این همایش‌ها شرکت داشتند.

رایزن فرهنگی ایران در انگلستان یکی دیگر از اقدامات نمایندگی خود را برگزاری سمینارهای قرآنی عنوان کرد و گفت: سمینارهای قرآن و همچنین برگزاری نمایشگاه‌های قرآن، از محورهای مورد علاقه مسلمانان در لندن است و ما تاکنون سمینار "قرآن و جهان معاصر" را در دانشگاه آکسفورد با مشارکت اساتیدی از آمریکا، کانادا و انگلستان برگزار کردیم.

خوابی که غرب برای بیداری اسلامی دیده است



دومین اختلاف که از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است چگونگی جمع میان خواسته های مشروع مردم و پس راندن نیروهای خارجی تحمیل شده بر کشورهای عربی و اسلامی است که در نتیجه معادله کشورهای پیروز در جنگ جهانی دوم بوجود آمد.

این نویسنده تاکید کرد: از زمان اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی بسیاری بر این باورند که فلسطین جز در صورت سرنگونی رژیم های عربی واپسگرا و وابسته، فلسطین آزاد نخواهد شد و بیداری اخیر در راستای اثبات این نظریه بود.

صادق الحسینی اظهار داشت: در مقابل نیز برخی بر این باورند که آزادی از سلطه استبداد و سرکوب داخلی جز پس از آزادی فلسطین ممکن نخواهد بود و اشتباهات به وجود آمده در مسیر بیداری اخیر این دیدگاه را تأیید می کند.

صادق الحسینی تاکید کرد: دیدگاه سومی نیز وجود دارد که همواره بر این باور بوده و هست که آزادی سریع از قدرت های سرکوبگر جز با تحکیم مسیر آزادی فلسطین ممکن نخواهد بود و راه آزادی فلسطین نیز جز با مبارزه بیشتر علیه سرکوب، خفقان و تبعیض در داخل کشورها ثبات و قدرت نخواهد یافت.

وی خاطرنشان کرد: دلیل صحت دیدگاه سوم کاملاً ساده است. کافی است به جنبش های مردمی محلی در هر کدام از کشورها نگاه بیندازیم. مشاهده می کنیم که هر اندازه که جنبش مردم مبتنی بر دو اصل موازی مخالفت با استبداد و مقاومت در مقابل دخالت بیگانگان به پیش برود دستاوردهای بیشتری به دست آورده و خسائر کمتری به مردم وارد می شود.

صادق الحسینی تاکید کرد: هر اندازه که این دو امر به طور متضاد قرار بگیرند جنبش به سوی جنگ خونین ویرانگری پیش خواهد رفت یا دچار اشتباهات بزرگی شده و باعث عقبگرد آن خواهد شد. یعنی به عبارت دیگر نیروهای نظام سابق به روش دیگری به پست های کلیدی در کشور بازخواهند گشت!

وی اظهار داشت: انقلاب امری نیست که در وضعیت آزمایشگاهی و کاملاً تحت کنترل انقلابیون باشد بلکه هر عمل سیاسی در چنین فضایی انجام خواهد گرفت. از

نویسنده و پژوهشگر جهان اسلام، درباره توطئه بسیار خطرناک غرب تحت عنوان آمریکایی کردن بیداری اسلامی و لائیک کردن اسلام هشدار داد.

محمد صادق الحسینی در مقاله ای در روزنامه القدس العربی نوشت: هیچ کس در مشروع، عادلانه و به حق بودن مطالبات ملت های انقلابی تردیدی ندارد، و هیچ حاکمی جز در صورت اعتراف به مشروعیت این خواسته ها، و سر فرود آوردن در مقابل آنها، قادر به ادامه حکومت نخواهد بود.

صادق الحسینی خاطرنشان کرد: عامل اصلی این بیداری این است که عموم ملت به تشدید تبعیض های اعمال شده بیگانگان علیه ما که منجر به اشغال فلسطین شد و سرکوب داخلی از سوی رژیم های سرکوبگر و وابسته، پی برده اند. بیشتر این رژیم ها نه در نتیجه تحولات خارجی بلکه با اهداف بیگانگان بر سر کار آمده اند، که این امر باعث شده است تا همواره در پی یافتن مشروعیت مردمی مورد تردیدشان برآیند.

وی افزود: نباید این واقعیت را فراموش کرد که ترس مردم ریخته است، و مردم دیگر به وضعیت سابق بازخواهند گشت، و به دنبال اینکه ملت ها اثبات کردند قادر به ایجاد تحولات هستند، و دیوار ترس و رعب در مقابل آنها فرو ریخت و اطمینان یافتند، که آنها خواهند توانست دستاوردهای بیشتری به دست آورند، دوره کنونی را می توان دوره ملت ها نامید.

صادق الحسینی خاطرنشان کرد: اما همین تحلیلگران، اصحاب رسانه و پژوهشگرانی که درباره واقعیت های فوق اتفاق نظر داشتند، در زمینه دیدگاه های نظری و میدانی برخورد با این پدیده جدید در کشورهای اسلامی دچار اختلاف می شوند، و اولین موضوعی که درباره آن دچار اختلاف می شوند نامگذاری تحولات اخیر است که برخی آن را بهار عربی، گروهی انقلاب بزرگ اعراب و عده ای نیز آن را بیداری اسلامی می نامند. وی اظهار داشت: نخستین اختلاف به وجود آمدن پدیده ای به نام انقلاب شبکه های اجتماعی اینترنتی و اهمیت آن در مدیریت بحران تا تحقق دستاوردهای انقلاب است؛ فرضیه ای که در مقابل دیدگاه کسانی است که معتقدند انقلاب توسط مردم ایجاد شده است.

صادق الحسینی خاطرنشان کرد:

آنجا که عامل بیگانه حامی رژیم های سرکوبگر و دشمن انقلاب های مردمی اساساً در معادله به وجود آمدن حکام منطقه حضور دارند بنابراین همواره به عنوان قوی ترین عامل در هر گونه معادله تغییر داخلی مشاهده خواهند شد و حتی اگر مردم این انقلابها را به تنهایی آغاز کرده باشند در صورتی که مردم آگاه نباشند و در مقابل تلاش های بیگانگان برای دور زدن انقلاب مردم، به انحراف کشاندن و در پایان مصادره یا شبیه سازی آن سکوت پیشه کنند خطر بزرگی این کشورها و انقلابیانشان را تهدید می کند.

این نویسنده و کارشناس مسائل جهان اسلام خاطرنشان کرد: بنابراین ما اصحاب رسانه باید در تعاریف امور دقت نماییم و ادعائیکم که غرب به ویژه آمریکا در نتیجه انقلاب های تونس و مصر غافلگیر شد به همین دلیل شاهد تشکیل مراکز مدیریت بحران بودیم، و روز به روز اشتباهات فاحشی از آن سر زد. سپس وارد جنگ خونینی در لیبی و یمن شد و برای سرکوب مردم بحرین تلاش کرد. آنگاه تصمیم به حمله علیه همه انقلاب های عربی از جمله نادیده گرفتن رابطه ویژه میان مردم و حکومت در سوریه گرفت و تلاش کرد تا با هدف به شکست کشاندن مسیر بیداری، فضا را نظامی کند.

وی هشدار داد: آنچه امروزه خطرناک تر به نظر می رسد این واقعیت است که برخی از نیروهای طمع ورز منطقه تصمیم گرفته اند تا غرب را در این پیروزی خیالی کمک کنند و در مقابل به سهمی از نفوذ در منطقه دست یابند. این در حالی است که غربی ها طرح بسیار خطرناکی تحت عنوان آمریکایی کردن بیداری اسلامی و لاییک کردن اسلام در دستور کار دارند.

صادق الحسینی خطاب به چنین افرادی تاکید کرد: کسی که گمان می کند که می توان همپیمان غربی اش را از طناب دار نجات دهد کاملاً در اشتباه است. زیرا منادی انقلاب که نام خدا، روز جمعه و مسجد را ندا می زند جرعه اسلام آمریکایی آلوده به مشروع دانستن رژیم اشغالگر، باعث مستی وی نخواهد شد؛ حتی اگر آب زمزم نیز با آن همراه باشد.

کارشناس مسائل خاورمیانه عنوان کرد:

نمایش ناپختگی سیاسی اردوغان در مصر

احمد بخشایشی در گفت و گو با تنأ، در دسته بندی های سیاسی در انتخابات آتی مصر اظهارداشت: انتخابات مصر یک مسئله سرنوشت ساز است که گروه های سیاسی در این راستا به دو طیف تقسیم شده اند، در طیف اول افراد سکولار به رهبری طنطاوی و عصام شرف به عنوان نماد این گروه فعالیت می کنند و علاقمند هستند که انتخابات برای مدتی به تعویق بیفتد تا بدین واسطه خود را بازسازی کنند و نیروهای مورد نظر خود را وارد پارلمان کنند.

وی با اشاره به طیف دوم انتخابات مصر گفت: این طیف از گروه های اسلامگرا به ویژه اخوان المسلمین هستند که به برگزاری هر چه سریعتر انتخابات اصرار دارند تا بتوانند با اسلامی کردن انقلاب نیروهای خود را وارد پارلمان کشور کنند.

این کارشناس خاورمیانه افزود: طیف اسلامگرا بیداری مصر را بیداری اسلامی تعبیر کرده و علاقمند هستند که با پیروزی در انتخابات، قانون اساسی را اصلاح و حتی رفراendum برگزار کنند.

تمایل ملت مصر به گروه های اسلامگرا

وی در پاسخ به این سوال که شانس پیروزی کدام یک از این گروه های انتخاباتی را بیشتر می دانید گفت: با توجه به سخنرانی اوپاما در سازمان ملل و حمایت بی حد و حصر وی از اسرائیل و همچنین زیر پا گذاشتن حقوق ملت فلسطین، مردم مصر تمایل بیشتری به گروه های اسلامگرا پیدا کرده اند و اگر پیروز انتخابات این گروه ها باشند به طور قطع ارتباط مصر با آمریکا و همچنین مبادلات اقتصادی به ویژه در زمینه گاز با رژیم صهیونیستی قطع خواهد شد بنابراین آمریکا و گروه های ضد اسلامی تمامی سعی خود را برای شکست اسلامگراها در انتخابات و پیروزی گروه های لاییک انجام خواهند داد.

نمایش ناپختگی سیاسی اردوغان در مصر

این کارشناس مسائل خاورمیانه در واکنش به پیشنهاد اردوغان مبنی بر تشکیل دولت اسلامی در مصر به شیوه لاییک، خاطرنشان کرد: اردوغان در واقع باین پیشنهاد نهایت بی تدبیری سیاسی خود را نشان داد، در پروژه اسلام گرایی اردوغان همیشه نوعی گیجی وجود دارد، وی تمامی مباحث را در منافع اقتصادی غرب می بیند، از سویی با اسرائیل درگیری های لفظی دارد تا مردم ترکیه را به سمت خود جذب کند و از سوی دیگر پنهانی و با واسطه گری آمریکا با اسرائیل ارتباط دارد و در کل می خواهد خود را به عنوان نماد اسلامگرایی در خاورمیانه نشان دهد ولی اکنون ابزار دست آمریکا شده است و اظهارات وی در مصر از ناپختگی سیاسی وی حکایت دارد.

بخشایشی در پاسخ به این سوال که آیا زمینه تشکیل حکومت لاییک در مصر وجود دارد یا خیر گفت: با توجه به محبوبیت اسلامگراها در مصر، تشکیل دولت غیراسلامی در این کشور بعید است.

البرادعی لیبرال گزینه نامناسب برای مصر

وی در واکنش به اظهارات البرادعی یکی از کاندیداهای انتخابات مصر که بر ارتباط با ایران تاکید داشت خاطرنشان ساخت: البرادعی برای دوره ای که اخوانی ها چشم به سیاست و رسیدن به قدرت نداشتند خوب بود ولی با توجه به روحیه لیبرالی البرادعی گزینه مناسبی برای مصر نخواهد بود.

شروط ملت مصر برای کاندیداهای انتخابات

این کارشناس مسائل خاورمیانه با بیان این که مردم دنبال کاندیدایی هستند که سه شرط را داشته باشد گفت: در درجه اول قطع ارتباط با اسرائیل، عدم فروش گاز و مبادلات تجاری با اسرائیل و همچنین ارتباطات همه جانبه با ایران مد نظر ملت مصر قرار دارد بنابراین طبیعی است که هر نامزد انتخاباتی در مصر این شعارها را مطرح کند.

رای اعدام مبارک مشروط به اسلامی شدن مصر

وی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا نوع حکومت آتی مصر تاثیری بر رای دادگاه قضایی مبارک خواهد داشت یا خیر خاطرنشان ساخت: بستگی به آینده مصر دارد، اکنون این کشور نه انقلابی انقلابی است نه لیبرالی لیبرالی، اکنون به دلیل تظاهرات حامیان مبارک در میدانی مصر، جلسات دادگاه غیر علنی برگزار می شود و این نشان می دهد که مصر هنوز سمت و سوی خود را نمی داند، ولی اگر شرایط سیاسی در مصر به سمت اسلامی شدن پیش رود قطعاً رای دادگاه مبارک اعدام خواهد بود ولی اگر فضای لاییک بر مصر حکمفرما شود چند سال زندان مجازات برای دیکتاتور مصر در نظر می گیرند.

برگزاری دادگاه مبارک افتخار ملی مصر است

این کارشناس مسائل خاورمیانه با بیان این که برگزاری دادگاه مبارک برای ملت مصر یک افتخار است گفت: با توجه به ضعیف بودن مدارک موجود و شهادت شهود ولی باز هم برگزاری این دادگاه و در قفس انداختن مبارک مایه مباهات ملت مصر است ولی در کل افرادی مانند طنطاوی و کشورهایی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی تمایلی به اعدام مبارک ندارند.

تاکید «النهضة» بر نقش دین در تونس جدید

جنبش النهضة تونس برنامه انتخاباتی خود را بر مبنای نقش دین، مبارزه با فساد و استبداد، ایجاد نظامی دموکراتیک و اجرای برنامه های اقتصادی و اجتماعی فراگیر به مردم این کشور ارائه کرد.

راشد الغنوشی رهبر جنبش النهضة در مصاحبه با العالم، گفت: می خواهیم به مردم تونس بگوییم که باید به دین خود اعتماد کنند، زیرا دین اسلام نه تنها برنامه ای برای دستیابی به سعادت اخروی است، بلکه سعادت دنیوی را هم تضمین می کند.

الغنوشی با اشاره به اینکه دین اسلام برنامه ای برای تمدن، پیشرفت، توسعه، ریشه کنی فقر و جهالت و بازگرداندن عزت اسلام و مسلمین دارد، افزود: ما مصرانه خواستار بازگشت

امنیت به کشور و آشتی بین نهادهای امنیتی و مردم هستیم. وی افزود: نهادهای امنیتی تونس همانند نهادهای نظامی آن سالم هستند، اما عناصر فاسد آن باید پاکسازی و به دست عدالت سپرده شوند.

تورالدین البجیری رئیس دفتر سیاسی جنبش النهضة نیز به شبکه خبری العالم گفت: آینده فقط از آن ما نیست بلکه متعلق به فرزندانمان و نوادگانمان است پس نباید امروز به خاطر مسائل جناحی و حزبی آینده کشور را به خطر بیندازیم.

سامی ابراهیم تحلیلگر سیاسی تونس هم در گفتگو با العالم تصریح کرد: برنامه جنبش النهضة به بعد اخلاقی و تربیتی در چارچوب برنامه ای سیاسی که در سطح کشور قابل اجرا است، اهمیت می دهد.



در سایه آن انتقال بزرگ در ترکیه اتفاق افتاد و این کشور به یک قدرت اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار تبدیل شود که در مهم ترین مسائل منطقه حضوری فعال و مؤثر داشته باشد.

فهمی هویدی گفت: من همواره مخالف بحث و جدل های بی نتیجه درباره نام و چگونگی نظام حاکم بر کشور اعم از سکولار یا اسلامی بودن آن بوده ام و این جدال ها را بی نتیجه می دانم. زیرا چنین بحث هایی میان گروهی از نخبگان روشنگر صورت می گیرد که خودشان را سخنگوی جامعه می دانند و تلاش می کنند تا دیدگاهشان درباره آینده را بر جامعه تحمیل کنند. گویی می خواهند ما از حاکمیت پدرسالارانه حسنی مبارک به زیر حاکمیت یک گروه از نخبگان پر سر و صدا در آیم. نمی دانم چرا مردم را آزاد نمی گذاریم تا آنچه را می خواهند خودشان انتخاب کنند! منظورم این است چرا درباره ضرورت تمرکز بر اصل دموکراسی از طریق فراهم کردن زمینه آزادی بیان، تشکیل احزاب و اتحادیه های شغلی و کاری، فراهم کردن زمینه مشارکت، طرح سؤال از حاکمیت و انتقال قدرت از گروهی به گروه دیگر توافق می کنیم.

وی خاطر نشان کرد: کسانی که گمان می کنند سکولاریسم به خودی خود تضمین کننده دموکراسی و آزادی در جامعه است در اشتباه هستند. بر این باورم که کسانی که همواره شعار «اسلامیه اسلامی» را نیز سر می دهند در توهم هستند. زیرا طرفین درگیر هویت و عنوان نظام هستند و این امر نتیجه ای جز تضعیف جامعه نخواهد داشت و تضعیف جامعه زمینه را برای قدرت یافتن و استبداد حاکمیت (فارغ از سکولار یا دینی بودن آن) فراهم می کند. توقف این قدرتیابی حاکمیت در مقابل جامعه، جز از طریق تقویت مصونیت جامعه و تقویت نهادهای آن و تمکین در برابر آنها ممکن نیست.

موضع آمریکا دشمنی با مردم بحرین است

بحرین قبلاً اطلاع داشت. هیچ شکی نیست. آنها مطلع شده بودند و با آن موافقت کردند و یک گواه ساده آن این است که هنگام تجاوز عربستان سعودی به بحرین ناوگان پنجم دریایی آمریکا به وضع هشدار در نیامد. این یک واکنش بسیار معمول کلاسیک در قواعد رفتاری نظامی آمریکاست که یک نیروی مسلح - حتی یک نیروی مسلح دوست در یک سرزمین نشان دهد که نقش حمایتی دارد - وارد وضعیت هشدار شود.

این اتفاق نیفتاد چون آنها اطلاع قبلی و تأیید این تجاوز را داشتند. درخصوص بیانه های رییس جمهور اوباما، آنها صرفاً بیانه هستند. سیاست واقعی آمریکا حمایت از پادشاهی آل خلیفه و دیگر پادشاهی های حوزه خلیج (فارس) علیه مناقشات داخلی، مخالفان سیاسی، مخالفان دموکرات، مخالفان حقوق بشرشان بوده است. آنها مخفیانه از پادشاهی آل خلیفه حمایت می کنند.

آنها به تازگی توافق میان آمریکا و بحرین را تجدید کردند. آنها به تامین تسلیحاتی بحرین علیه مردم این کشور ادامه می دهند و موجب کشته و زخمی شدن جوانان زن و مرد و دیگر غیرنظامیان می شوند. بنابراین سیاست یکسان خواهد بود.

سکولاریسم، ابزاری برای سرکوب و استبداد

قرار دادن جهان مادی را اصل قرار داده است. از همین رو در زبان اردو اصطلاح سکولاریسم را به دنیاگرایی ترجمه می کنند. برخی از سکولارها غیب را انکار و با دین دشمنی می کنند و گروهی نیز غیب را تضعیف کرده و با دین کنار می آیند. با این وجود آن را در زمینه کلی به حاشیه می رانند. سکولاریسم اگرچه در کشورهای غربی همزیستی داشته است اما این مکتب در برخی از کشورهای عربی به تازیهانه ای برای سرکوب و استبداد تبدیل شده است و نتایج تأسف باری که در آن کشورها به بار آورده است بر هیچ کس پوشیده نیست. این امر به ما امکان می دهد تا بگویم که اگر چه همه کشورهای دموکراتیک در غرب سکولار هستند اما این بدان معنی نیست که هر دولت سکولاری، دموکراتیک خواهد بود.

در ادامه این مقاله آمده است: از جمله امور قابل توجه در این زمینه واقعیت زیر است که سکولاریسم در ترکیه از زمان روی کار آمدن آن در دهه بیست قرن گذشته توسط کمال اتاتورک و اطرافیانش همواره با دموکراسی مشکل داشته است و کودتاهای نظامی سه گانه و چهارمین کودتای خزنده و نافرجام در این کشور همگی به نام دفاع از سکولاریسم علیه نمادهای تحول دموکراتیک انجام گرفته اند. علاوه بر این محور مبارزات و تلاش های کنونی اردوغان برای تدوین قانون اساسی جدید، چگونگی تبدیل ترکیه به یک کشور دموکراتیک است که در آن ملت تصمیم گیرنده نهایی و منشأ قدرت باشند نه ارتش و نیروهای نظامی که خودشان را نگهبان سکولاریسم و تصمیم گیرنده سیاسی در کشور معرفی می کنند.

فهمی هویدی تأکید کرد: هیچ پژوهشگر بی طرفی نمی تواند دستاوردهای ترکیه در زمینه پیشرفت و ترقی را به سکولاریسم نسبت دهد. زیرا این دستاوردها در درجه اول محصول حاکمیت دموکراسی در این کشور است. برای اطلاع خوانندگان عزیز بد نیست یادآوری کنم که اردوغان به اتهام توهین به سکولاریسم چهار ماه از عمر خود را در زندان های ترکیه سپری کرده است. اما دموکراسی باعث شد تا وی به ریاست کابینه ای برسد که

به گزارش العالم، فهمی هویدی در مقاله ای نوشت: سکولارهای مصر از سخنان اردوغان مبنی بر دعوت به ایجاد نظام سکولار در ترکیه استقبال کرده و الگوی ترکیه در این باره را ستودند. آنها بر این باورند که ظهور اردوغان و دستاوردهایش برای این کشور از جمله پیشرفت و ترقی از دستاوردهای سکولاریسم حاکم بر آن کشور است. این تألیدها تنها به منزله ستایش شخص اردوغان یا تجربه ترکیه بلکه تلاش مصداق ضرب المثل مشهور به در می گویند که دیوار بشنود می باشد و مخاطب این سخن مردم مصر هستند که نخبگان سکولار در آنجا شعار ایجاد نظام سکولار در کشور را سر داده اند.

فهمی هویدی تأکید کرد: این گروه بر این باورند مصر که امروزه پس از پیروزی انقلاب در صدد تأسیس نظام جدید است، در صورتی که واقعا می خواهد از تاریکی عقب ماندگی و استبداد به نور پیشرفت و آزادی منتقل شود باید همان را بپیماید و به سکولاریسم به عنوان کلید سحرآمیز برای آینده ای درخشان چنگ بزند. وی افزود: من این نسخه را قبلاً نیز مورد بررسی قرار داده ام. اما طرفداران آن به مناسبت دیدار اردوغان به همراه همسر و دختران محجبه اش از مصر، بار دیگر به مطرح کردن آن برای پرداختن به سکولارها حجاب همسر و دختران اردوغان را نادیده گرفته و حداقل آن را تحمل کرده اند. این در حالی است که سکولارهای ترکیه این پوشش همسر و دختران نخست وزیرشان را مایه شرمندگی شان و تهدیدی برای جمهوریت و سکولاریسم می دانند. از آنجا که دوستان ما بار دیگر این موضوع را مطرح کردند به خود اجازه دادم که بار دیگر به محکومیت این دیدگاه و بیان بطلان آن بپردازم. ادعای وجود ارتباط ضروری میان سکولاریسم و آزادی و پیشرفت مغالطه ای بیش نیست و این امر در علم سیاست یا تاریخ نظام های سیاسی هیچ پایه و اساسی ندارد. زیرا سکولاریسم اصولاً یک اندیشه غربی است که برای به چالش طلبیدن قدرت کلیسا به وجود آمد.

فهمی هویدی خاطر نشان کرد: به همین دلیل سکولاریسم دیدگاه مادی گرایی و اصل

شبکه پرس تی وی با علی الاحمد، رئیس مؤسسه امور خلیج (فارس) در واشنگتن درباره تداوم بحران در بحرین گفت وگو کرده است. پرس تی وی: در حالی که قیام در دیگر کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه در حال رخ دادن هستند، چرا به بحرین کمترین توجه می شود؟

الاحمد: کمترین توجه به بحرین می شود چرا که آمریکا و کشورهای غربی از مردم بحرین و انقلابشان حمایت نمی کنند. بسیار ساده است، آنها طرفدار این انقلاب نیستند.

در یمن نیز اوضاع به همین منوال است؛ با وجود آمار تلفات و شدت تظاهرات و غیره، مطالب زیادی درباره آن شنیده نمیشود. این البته یک سیاست اشتباه است؛ نباید فکر کرد که آنها می توانند مردم بحرین و یمن را نادیده بگیرند و به حمایت از رژیم های در حال سقوط ادامه دهند؛ چرا که این دوباره آنها را به تله خواهد انداخت؛ این همان چیزی است که در سال ۱۹۷۹ در ایران رخ داد و اکنون دارد در مصر و تونس رخ می دهد.

پرس تی وی: فکر می کنید رژیم آل خلیفه در بحرین چه قدر به از دست دادن قدرت نزدیک است و این احساس را به کشورهای حوزه خلیج فارس می دهد که به همان شکل عمل کنند؟

نیویورک تایمز گزارش داد:

بحرین؛ زیر موج سرکوب

روزنامه نیویورک تایمز چاپ آمریکا در گزارشی به سرکوبگری شدید رژیم آل خلیفه علیه مردم بحرین و سیاست یک بام و دو هوای آمریکا در قبال این موضوع پرداخت و نوشت: روند سرکوب در بحرین با استفاده از روش های مختلف شکنجه، دستگیری و اخراج شهروندان از مشاغل و محل تحصیل آنها ادامه دارد.

این روزنامه آمریکایی در گزارش خود نوشت: درگیری ها بلافاصله پس از غروب آفتاب آغاز می شود و پس از آن گروهی از نیروهای پلیس به مدت شش ساعت در هوای گرم و دم کرده همراه با بوی باروت و گاز اشک آور با شمار زیادی از جوانان بی سلاح که صورت های خود را با پارچه هایی پوشانده اند، درگیر می شوند.

این روزنامه با اشاره به گذشت پنج ماه از حملات سرکوبگرانه رژیم بحرین علیه قیام مردم این کشور نوشت: بحرین یک نمونه خاص به شمار می آید که در آن قیام مردم با سرکوب شدید از سوی رژیم مواجه شده است.

نیویورک تایمز نوشت: روند سرکوب در بحرین با استفاده از روش های مختلف شکنجه، دستگیری و اخراج شهروندان از مشاغل و محل تحصیلشان منجر به یک پیروزی تاکتیکی برای رژیم آل خلیفه شده که ممکن است به زودی رو به زوال نهد.

به نوشته این روزنامه، رژیم بحرین همچنان به اقدامات سابق خود در زمینه تبعیض هدفمند علیه اکثریت شیعه این کشور ادامه می دهد که این اقدامات سرکوبگرانه منجر به شدت گرفتن درگیری ها و تعمیق مشکلات اقتصادی شده است.

نیویورک تایمز نوشت: شیخ «علی سلمان» دبیرکل بزرگترین و بارزترین گروه سیاسی مخالف دولت در بحرین در این باره می گوید که اوضاع بسیار خطرناک است و هر چیزی ممکن است در هر لحظه باعث برافروختن آتش درگیری ها شود و در صورتی که نتوانیم دموکراسی را در کشور به وجود بیاوریم کشور به سوی خشونت پیش خواهد رفت. اما آیا این امر در طی یک یا دو سال آینده اتفاق می افتد، این امری است که من از آن اطلاعی ندارم اما این یک واقعیت غیرقابل انکار است.

این روزنامه آمریکایی افزود: اکثریت شیعه بحرین خواستار دستیابی به حقوق بیشتری است و ماه فوریه گذشته فصل جدیدی در این مبارزه بود. به دنبال گسترش انعکاس دامنه حوادث تونس و مصر به بحرین و درگیری های خونین، معترضان توانستند میدان تحریر را به تصرف خود در آورند و هفته ها در آنجا بمانند و نتیجه این حملات سرکوبگرانه بسیار تلخ بود.

نیویورک تایمز نوشت: گروههای مدافع حقوق بشر می گویند در کشوری که ۵۲۵ هزار نفر جمعیت دارد، ۳۴ نفر کشته، ۱۴۰۰ نفر دستگیر و حدود ۳۶۰۰ نفر از کار برکنار شده اند. همچنین چهار نفر نیز در اثر شکنجه در زندانهای رژیم آل خلیفه جان خود را از دست داده اند.

این روزنامه افزود: سازمان دیده بان حقوق بشر، شکنجه زندانیان را حملات هدفمند و فراگیر برای پیگرد و ارباب منتقدان نظام و پایان دادن به همه اشکال مخالفت با دولت ارزیابی کرده است. به نوشته این روزنامه، گروههای حقوق بشری اعلام کرده اند ۴۳ مسجد و مرکز دینی شیعیان از سوی نیروهای رژیم بحرین تخریب یا آسیب دیده است.

نیویورک تایمز در ادامه مطلب خود نوشت: شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه که رژیمش از دخالت نظامی عربستان بهره می برد، در ماه مارس گذشته در این کشور حالت فوق العاده اعلام کرد و با وجود اینکه این وضعیت در اول ماه ژوئن به پایان رسید، اما موج سرکوب در این جزیره همچنان ادامه دارد.

نیویورک تایمز نوشت: علی رغم اینکه دولت متعهد شده است تا افرادی را که از کار اخراج شده اند به مشاغلشان بازگرداند اما هیچ کس «محمد الحمد» را به کارش در بانک اسلامی بحرین بازنگردانده است. او می گوید که در ماه گذشته ۱۸ استاد دانشگاه بحرین از کار برکنار شده اند و اطلاعات ما نشان می دهد که همگی این اساتید شیعه هستند.

این روزنامه آمریکایی افزود: برخی بر این باورند که پادشاه بحرین در ماه جاری اقدام به اصلاحاتی در این کشور خواهد کرد اما شمار زیادی در این زمینه تردید دارند. وضعیت کنونی و سکوت آمریکا در برابر رفتار رژیم آل خلیفه منجر به تعمیق خشم شیعیان از واشنگتن شده است و شمار زیادی درباره سیاست یک بام و دو هوای آمریکا اظهار تأسف می کنند زیرا مشاهده می کنند که برخلاف رفتار آمریکا در قبال لیبی، هیچ کدام از مسئولان آمریکایی خواستار تحریم رژیم آل خلیفه نشده اند.

در بزرگداشت سالروز رحلت ابوذر زمان و مفسر کبیر قرآن، آیت الله سید محمود طالقانی:

تجسم عینی پرتوی از قرآن

حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی



▲ ۱۳۳۹ جشن میث، استادخسروشاهی در کنار آیت الله طالقانی

و استاد محمدابراهیم آیتی

انگیزه‌ای که در سطح وسیع تر و بالاتری، استاد بزرگوار مرحوم علامه طباطبایی را در حوزه علمیه قم به حرکت درآورد؛ در واقع علامه طباطبایی و آیت الله طالقانی قرآن را در میان طلاب و توده مردم، محجور دیدند و این بود که مباحث حوزوی و مدرسه‌ای را در قم و تهران کنار گذاشتند و با تحمل و پذیرش فشارها و تهدیدها و اشاعه نظریه بی‌سوادی! پژوهندگان قرآن و مفسران- حتی در محافل حوزوی- سرانجام نتوانستند تدریس تفسیر قرآن را در حوزه و محافل روشنفکران در تهران گسترش دهند که به تدریج رسمیت پیدا کرد. به فرموده آیت الله خویی به شهید استاد مرتضی مطهری علامه طباطبایی در قم، 'تضحیه' کردند، یعنی خود را قربانی این هدف مقدس کردند. البته باید بر آن افزود که آیت الله طالقانی هم در تهران خود را در این مسیر 'فدا' کردند. بررسی روش تبیین مبانی قرآنی و پرتو' نامیدن آن توسط آیت الله طالقانی یا 'میزان' بودن روش تفسیری علامه طباطبایی - که تفسیر آیات با آیات بود- نیاز به نشست های علمی ویژه دارد. آنچه در اینجا مهم تر از هر نکته دیگری است و باید به آن اشاره شود، 'میزان' و 'پرتو' عینی و مجسم قرآنی بودن آن دو بزرگوار است، چون قرآن را می توان خواند و تفسیر هم کرد، ولی عمل به مفاهیم و تعالیم آن اصل است و جدا از درس و تفسیر و جلسه... و این دو بزرگوار، هر دو توفیق آن را داشتند که تبلور و تجلی عینی قرآن باشند. مرحوم امام(ره) یک بار درباره کسی که کتاب 'اخلاق' نوشته بود، فرمودند: 'ممکن است کسی کتاب اخلاق بنویسد، ولی خودش اخلاق نداشته باشد!، ولی این مفاهیم الهی قرآنی به عنوان 'پرتو' و 'میزان' در زندگی اجتماعی و سیاسی این دو بزرگوار به ثبت رسید، یعنی علامه طباطبایی و آیت الله طالقانی هر دو در جامعه، زندگی و علم با پوشیدن لباس تقوای قرآنی... خود پرتوی مجسمی از قرآن بودند.

بی مناسبت نیست که در این نشست دوستانه به یکی دو خاطره از مرحوم آیت الله طالقانی هم اشاره کنیم:

بنده کسالتی پیدا کرده بودم که آیت الله طالقانی از آن مطلع بودند. ایشان به من پیشنهاد کردند برای اینکه کسالتم برطرف شود، مسافرتی به شمال برویم! و به همین دلیل همراه ایشان و مرحوم فخرالدین حجازی چند روزی به شمال رفتیم. البته این مسافرت هم مؤثر واقع نشد و ایشان دو نفر بانی برای معالجه من پیدا کردند- بدون اینکه خودم بدانم- یا کسی مطلع شود و آنها هزینه مسافرت مرا به لندن برای معالجه تقبل کردند و این خود نشان دهنده نوع دوستی و انسان دوستی ایشان بود و آن سفر و اجرای توصیه های پزشکی تا حدود زیادی پس از مراجعت مؤثر واقع شد.

اشاره: آنچه در پی می آید متن سخنرانی استاد محقق حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی است که در کنگره بررسی اندیشه های قرآنی و اقتصادی آیت الله طالقانی در دانشگاه مفید قم، ایراد شده و در روزنامه جوان به چاپ رسیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم
دوستان برگزارکننده این همایش از بنده خواستند که اینجانب نیز به علت آشنایی دیرینه با آیت الله طالقانی و به تناسب، مطالب یا خاطراتی را بیان کنم... با توجه به اینکه مقاله خاصی درخور شأن این همایش تهیه نکرده ام به نقل یکی دو خاطره بسنده می کنم.

آشنایی بنده با مرحوم آیت الله طالقانی به سال های ۱۳۳۲ به بعد برمی گردد. من در سن ۱۵-۱۶ سالگی به قم آمدم و با علمای تهران و قم از نزدیک آشنا شدم و با اینکه سن کمی داشتم، ولی طلبه جست وجوگری بودم و به همه جلسات و انجمن های اسلامی در قم و تهران و مشهد سر می زدم و با بقیه شهرها مانند شیراز، اصفهان، کرمان و... مکاتبه داشتم. در واقع با وجود تمام موانع و مشکلات حوزوی- تحجری! به دنبال یافتن روش جدید و راه فهم و درک مبانی اصیل اسلامی با اتکای به مفاهیم و معانی قرآنی بودم و در همین مسیر در قم با استاد علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و در تهران با آیت الله سیدمحمود طالقانی در مسجد هدایت آشنا شدم. البته فعالیت های فرهنگی آیت الله طالقانی از سال ۱۳۱۸ و بعد از مراجعت از قم به تهران شروع شده بود... در تهران تشکیل کانون اسلام و نشر مجله دانش آموز، سرآغاز این حرکت ها بود.

روزی در منزل آیت الله طالقانی در قلعه وزیر، ناهار مهمانان بودم. قبل از آمدن دوستان، در کتابخانه شان، کتاب ها و نشریات قدیمی را بررسی می کردم تا رسیدم به مجله 'دانش آموز'. شماره های متعدد آن را با شوق و ذوق خاصی ورق می زدم، ایشان وقتی دیدند که من به این نشریه علاقه پیدا کردم، یک دوره از آن را به من هدیه دادند...

در آن برهه در تهران انجمن های اسلامی دانشجویان، پزشکان، مهندسان و... به وجود آمده بود که می توان گفت مرحله تکاملی کانون اسلام بود. به موازات این انجمن ها، جلسات تفسیری ایشان هم که در مسجد هدایت برپا می شد، هدایتگر نسل جدیدی بود که به دنبال کشف حقیقت بودند. از میان این نسل می توان به دکتر یزدی، دکتر چمران و محمد حنیف نژاد اشاره کرد. البته جلسات تفسیری ایشان جلسه یا درس قرآنی به مفهوم مصطلح آن نبود و ایشان خود در مقدمه پرتوی از قرآن به این نکته اشاره می کند و می نویسد که آنچه پیرامون آیه های قرآن نگارش می یابد، معنای تفسیر مصطلح را ندارد و به همین جهت آن را 'پرتوی از قرآن' می نامم. چون به اعتقاد من آنچه در تفاسیر آمده، در واقع برداشت مفسرین از آیات قرآنی است و چون قرآن برای همه مردم در همه زمان ها و مکان ها است، پس نمی توان ژرفای حقایق قرآنی را در ظرف ذهنی افراد در یک زمان یا یک مکان محدود کرد و باید از نو، قرآن را کشف و در پرتوی آن زندگی کرد. البته آیت الله طالقانی روشی را که برای فهم و درک قرآن در نظر دارند، در مقدمه پرتویی از قرآن تبیین کرده و شرح داده اند.

این نکته ای که در اینجا اشاره به آن لازم است، این است که چه انگیزه ای بود که ایشان را در به 'صحنه' آوردن قرآن در مسجد و مجامع روشنفکری و دانشگاهی تهران وادار کرد؟ همان

بزرگداشت سالگرد رحلت

آیت الله طالقانی در انجمن آثار

و مفاخر فرهنگی ایران

مراسم بزرگداشت سی و دومین سالگرد رحلت آیت الله سیدمحمود طالقانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران برگزار شد.

در این مراسم سید مهدی طالقانی، فرزند مرحوم آیت الله طالقانی، درباره سلوک و رفتار پدرش گفت: حضرت امام خمینی (ره) در نخستین سال فوت ایشان پیامی دادند که در پایان پیامشان پدرم را 'راس پرهیزکاران' نامیدند. این ساده زیستی ایشان برمی گردد به 'سید ابوالحسن طالقانی' که از علما و مجتهدان زمان خود و هم سنگر زنده یاد مدرس بود. ساده زیستی ایشان زبان زد بود؛ خانه کوچکی داشتند و ظرفی و چند آچار و پیچ و مهره و کتاب. از راه ساعت سازی امورات می گذراندند و وقتی امروزشان تامین می شد، سراغ کارهای خودشان می رفتند. ایشان هیچ وقت از وجوهات شرعی برای انجام کارشان استفاده نمی کردند، هرچند که وجوهات زیادی برای ایشان می آمد. ما این ساده زیستی را در زندگی آیت الله طالقانی هم می دیدیم. با این که پدرمان پولدار نبود، اما هیچ وقت احساس بی پولی نمی کردیم.

وی ادامه داد: چه قدر خوب است که این الگوی ساده زیستی را حفظ کنیم. منظورم هم فقط دولت نیست. همه باید این گونه باشیم، اما ذره بین ها روی مسوولان است و مردم به آن ها نگاه می کنند.

فرزند مرحوم آیت الله طالقانی افزود: آیت الله طالقانی انتقادپذیر بود. کتاب 'پرتویی از قرآن' را در زندان قصر که هیچ امکاناتی نبود و شرایطش مانند انسان زنده در قبر بود، نوشت. یکی از دغدغه های ما در سال های زندان ایشان، گرفتن همین تفاسیر از زندان و آماده سازی برای چاپشان بود. مرحوم طالقانی گفته بود که من در این جا به هیچ منبع و کتابی دسترسی ندارم، اگر مطلبی درباره این تفاسیر به نظرتان رسید، به من بگویید، چرا که ایشان انتقادپذیر بود.

طالقانی در ادامه سخنانش به صراحت لهجه و پذیرش نظر جمعی آیت الله طالقانی اشاره کرد و گفت: ایشان با افراد بحث و گفت و گو می کرد و با آوردن دلیل و استدلال، با شخص را قانع می کرد یا صحبت او را می پذیرفت. امیدواریم مسوولان ما اگر به نظرشان آمد که این الگوها صحیح اند، از آن برداشت و به آنها عمل کنند.

پس از مهدی طالقانی، دکتر سید محمد حسینی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) طی سخنانی نقش آیت الله طالقانی در پیروزی انقلاب اسلامی را بسیار بارز دانست و گفت: وی شخصیتی مبارز، دارای اعتماد به نفس و متکی به خداوند بود. وی اظهار کرد: نام طالقانی همیشه با قرآن و تفسیر این کتاب آسمانی گره خورده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به آیه ای از قرآن کریم که در آن مومنانی که بر عهد و پیمانشان پایدارند، تکریم شده اند، افزود: ایشان در دوران مبارزات قبل از انقلاب دچار شکنجه ها و تبعیدهای فراوانی شد و تحمل این شرایط برای آیت الله طالقانی در حالی بود که برخی تحمل این همه فشار روحی و روانی را نداشتند و با ساواک همکاری می کردند.

وی اظهار کرد: آیت الله طالقانی هیچگاه از حبس، تبعید و شکنجه نهراسید و در جهاد بزرگ خویش سستی نکرد.

حسینی ادامه داد: پس از پیروزی انقلاب اسلامی افرادی منافق و ضد انقلاب سعی در اشاعه احساس تقابل بین امام(زه) و آیت الله طالقانی در جامعه داشتند که خوشبختانه این فتنه آنان با پاسخ روشن و کوبنده آیت الله طالقانی در فیضیه به جدایی طلبان، نقشه آنان را نقش بر آب کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: علاقه مردم ایران به آن شخصیت روحانی نیز به سبب جنبه روحانی و معنوی و انس وی با قرآن کریم بود.

وی در پایان گفت: اکنون نیز اگر شاهد رشد و بیداری درجوامع اسلامی هستیم، به خاطر روی آوردن به این کتاب آسمانی است.

در ادامه این مراسم، رییس جمهوری، پس از اهدای لوح تقدیری به موضوع پاسداشت مقام آیت الله طالقانی به فرزند وی، سخنانی کوتاه درباره آیت الله طالقانی ایراد کرد.

نکته دیگر اینکه در مبارزه رژیم شاه با علما و مراجع و وعاظ، از روش ها و شیوه های غیراخلاقی و زشتی استفاده می شد و توسط ساواک به اجرا درمی آمد که قسمتی از آنها در اسناد ساواک مربوط به کتاب شهید جاوید منتشر شده است و نشان می دهد که از دیدگاه ساواک، چگونگی می توان بین علما اختلاف ایجاد کرد.

از جمله شگردهای ساواک در این راستا، نشر اخبار کذب یا پخش عکس های مستهجن واقعی یا جعلی از افراد بود. در آن زمان عکس یکی از وعاظ شهیر را به همه اعضای تحریریه مجله مکتب اسلام فرستاده بودند که من هم یکی از آنها بودم. در آن شرایط، برای جبران یا اصلاح یا تکذیب امر، از قم رفتم و در تهران با آن واعظ شهیر ملاقات و صحبت کردم. ایشان در پاسخ به من گفتند: قضیه فی واقعاً! من عمل خلاف شرعی انجام نداده ام، بلکه با حلیله خودم بوده ام و آن کسی که این عکس ها را گرفته و انتشار داده، مرتکب خلاف شرع و قانون و اخلاق شده است... بعد از مدتی که آیت الله طالقانی از زندان آزاد شدند، من برای دیدار به منزل ایشان رفتم و ایشان در منزل تنها بودند و خودشان در را برایم باز کردند و رفتیم داخل... ایشان به آشپزخانه رفتند تا چای بیاورند و تا وقتی که ایشان هنوز برنگشته بودند، قسمتی از مخطوط کتاب پرتوی از قرآن را که روی میز ایشان بود، نگاه می کردم... و در کنار آن، دیدم روی میز نمونه ای هم از آن پاکتی که در مکتب اسلام برای ما رسیده بود، هست... وقتی که ایشان برگشتند، عرض کردم: آقا! این عکس های فلانی است؟ ایشان کمی ناراحت شد و فرمود: شما عکس ها را نگاه کردید؟ عرض کردم: 'خیر'، از این پاکت ها با دست خط روی آن، برای تمام اعضای مکتب اسلام ارسال شده بود و من قبلاً آنها را دیده ام. ایشان خوشحال شد و گفت: 'من تا این اندازه هم حاضر نبودم به اشاعه فحشا کمک کنم و در منزل من این عکس ها دیده شود. این نمونه ای از تقوای ایشان بود که حاضر نبود عکس مستهجن کسی که با او مخالف بود، در منزلشان دیده شود. حال این را با تقوای سیاسی عصر خودمان مقایسه کنید.

دیگر اینکه ایشان در هر مناسبتی به ویژه در پایان سخنرانی ها، آیاتی از سوره 'الفجر' را با لحنی خاص و صوتی پرتین، قرائت می کرد... و در دادگاه نظامی شاه هم پس از آنکه حکم ظالمانه صادره درباره افراد و سران نهضت آزادی قرائت شد و اعضای نظامی دادگاه خواستند بیرون بروند، با صدای بلند آنها را وادار به توقف کرد و سپس آن آیات را قرائت کرد و گفت: از طرف من و دوستان این را به ارباب خود ابلاغ کنید.

سوگند به صبح گاه و ده گانه شب. سوگند به جفت و فرد. و قسم به شب تاریک- تا به روز- روشن بدل شود. آیا اینها- در نزد اهل خرد- سزاوار سوگند نیست. آیا ندیدی که خدای تو- ای پیامبر- با قوم 'عاد' چه کرد؟ و با- مردمان شهر- 'آرم' که دارای قدرت بودند؟ و مانند آن شهر در هیچ بلدی ساخته نشده بود و ثمود که سنگ ها- کوه ها- را شکافته و برای خود کاخ ساخته بودند و 'قرون' که دارای قدرت و سپاه بسیار بود؟ آنهایی که روی زمین طغیان کردند و فساد را در همه جا گسترند تا آنکه خدای تو تازیانه عذاب را بر آنها فرود آورد- که- خدای تو در کمین گاه ستمکاران است.

صدق الله العلی العظیم



بله. ملاقات من با ایشان در بیروت بود. یک دوره مسندالرضا را از ایران با خود بردم و درباره کارهایم با ایشان صحبت کردم. ایشان گفتند: من در نظر دارم در لبنان کتابخانه ای را تأسیس کنم و می خواهم شما مدیریت این کتابخانه را در دست بگیرید که به ایشان گفتم عازم حج و سفر به چند کشور عربی ام.

شما به مسندالرضا اشاره کردید. یکی از کارهای عظیمی که شما انجام داده اید تألیف مسند انمه اطهار است. نخستین مسند را درباره چه کسی و چه زمانی نوشتید؟

نخستین مسند من مربوط به حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) است. سال ۱۳۴۰ زمانی که کتاب های شیخ صدوق، مفید و طبری را مطالعه می کردم، متوجه شدم از حضرت عبدالعظیم اخبار و احادیث بسیاری وجود دارند در حالی که تا قبل از آن، ایشان را فقط به عنوان یک امامزاده می شناختم و از شخصیت علمی، فقهی و ادبی ایشان بی اطلاع بودم. همین موضوع باعث شد تمام اخباری را که از ایشان نقل شده، بیابم. این کتاب برکات و فواید علمی، معنوی و مادی بسیاری برای کارهای بعدی من داشت. حضرت عبدالعظیم(ع) چهار امام معصوم را در زمان حیات خود درک کرده است. به همین دلیل تمام روایات نقل شده را در کتابی نزدیک به ۳۰۰ صفحه به زبان عربی و فارسی به چاپ رساندم.

مسند نویسی چه تفاوتی با مرسل دارد؟

مسند یعنی روایاتی که با سند کامل نقل می شوند یعنی از فلان بن فلان بن فلان، تا برسد به خود امام معصوم اما در مرسل، حدیث را از امام نقل می کنیم؛ بدون ذکر تمام واسطه ها.

مسند نویسی اهل بیت را از کدام امام معصوم آغاز کردید؟

مسانید اهل بیت از امام رضا(ع) آغاز می شوند. خود حضرت مایه برکت کارهای بعدی من شدند. این مسند در دو جلد تألیف و چاپ شده است. اصل مسند نویسی من که تا امروز به بیش از ۷۹ جلد می رسد به برکت امام رضا(ع) است.

چرا اول از امام رضا(ع) شروع کردید؟

من ابتدا در فکر مسند نویسی نبودم ولی زمانی که درباره فرهنگ خراسان که بخش عمده ای از آن به شهر مقدس بر می گردد تحقیق می کردم، کتابی مستقل درباره احادیث علی بن موسی الرضا نوشتم و نامش را مسندالرضا گذاشتم. سال ۵۲ وقتی کتاب چاپ شد، یک جلد از کتاب را به مرحوم آیت الله میلانی هدیه کردم و تشویق ایشان باعث شد که مسانید همه امامان(ع) را بنویسم.

شما تنها دارنده نشان پرافتخار رضوی هستید. چه شد که به این نشان دست یافتید؟

این نشان در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی به من اهدا شد و به خاطر کتاب هایی بود که درباره امام رضا(ع) و خراسان نوشتم و برایم خیلی ارزشمند است. انشاءالله تصمیم دارم آن را به موزه امام رضا(ع) اهدا کنم. در طول این سال ها چندین بار کتاب هایم جزو کتاب های برتر سال شده اند و تمام این لوح ها که در کتابخانه ام قرار دارند، برایم گرانقدرند اما آن نشان، جایگاه ویژه ای دارد.

مسانید اهل بیت در چند بخش چاپ شده اند؟

اند که کسی از آنها اطلاعی ندارد به همین دلیل عازم اروپا شدم و از تمام کتابخانه های معروف لندن، موزه بریتانیا، دانشگاه آکسفورد و کتابخانه ملی پاریس، بلژیک، آلمان و کتابخانه های کشور ترکیه دیدن کردم. بعد از آن چندین بار دیگر به هندوستان سفر کردم و بعد از پنج سفر به هندوستان و دیدن بیش از ۴۰ کتابخانه و هزاران نسخه خطی، سفری به اتحاد جماهیر شوروی داشتم و به سن پترزبورگ رفتم و از تمام کتابخانه های خاورشناسی و موزه هایی نظیر آرمیتاژ دیدار کردم.

چه هدف یا اهدافی را در این سفرها دنبال می کردید؟

در تمام این سفرها هدفم این بود با تمام کسانی که اطلاعاتی دارند تبادل نظر کنم و برایم مهم نبود که شخص مقابل دارای چه تفکرات و چه دینی است. اعتقاد داشتم انسان باید ریشه های فکری خودش را قوی پایه ریزی کند تا در برابر هر تفکری لغزش پیدا نکند. من با همه این گروه ها به گفت و گو می نشستم و بحث می کردم. این نکته را هم باید بگویم که انگیزه همه این سفرها ملاقاتی بود که در سال ۱۳۴۴ در عتبات عالیات داشتم.

ملاقات با چه کسی؟

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی بودند. ایشان یکی از استادان بزرگ فن نسخه شناسی بود. در ملاقاتی که با ایشان داشتم هدفم را از تحقیق درباره خراسان گفتم. ایشان آن روز در سن ۹۰ سالگی بودند. چند لحظه سکوت کردند و گفتند: شما جوانی، همت کن. کار عظیمی جلوی راه شما قرار دارد. امروز که ۸۳ سال از عمرم می گذرد هنوز برای فرهنگ خراسان کار می کنم و همچنان عاشق و شیفته کتابم.

تاکنون چند جلد از فرهنگ خراسان به چاپ رسیده اند؟

سال ۱۳۷۰ بعد از سی سال تحقیق و سفرهای متمادی، نخستین نسخه آن را به چاپ رساندم و تاکنون ۹ جلد آن به چاپ رسیده اند که دو جلد آن فقط به شهر مقدس مشهد اختصاص دارند. جلد نخست آن از حرم مطهر امام رضا(ع) آغاز شده و درباره همه بناهایی که در زمان شهادت امام تاکنون ساخته شده و حوادثی که در این سال ها برای حرم به وجود آمده، به طور مفصل بحث کرده است و حداقل ۱۰ الی ۱۵ سال دیگر زمان می برد تا بتوانم تحقیقاتم را کامل کنم. هر چند این روزها حال خوبی ندارم و با چند نفر از دوستان صحبت کرده ام که این راه را ادامه بدهند. درواقع منطقه خراسان به قدری گسترده است که می توان یک دایره المعارف صد جلدی از آن به چاپ رسانید. خود کوه هزار مسجد تا ارتفاعات بینالود دریایی از اطلاعات است.

شما در طول این زمان ها با علمای بزرگی دیدار کرده اید. چه کسانی از آنان بیشتر پیگیر فرهنگ خراسان بودند و در این راه به شما کمک کردند؟

یکی از این افراد، عالم گرانقدر علامه امینی بودند که کتاب الغدير را تألیف کردند. آشنایی من با ایشان به سال ۱۳۳۵ در نجف اشرف بر می گردد. ایشان کتابخانه امیرالمؤمنین را تأسیس کرده بودند و هر آنچه در این زمینه به من کمک می کرد در اختیار من گذاشتند. آن سال ها با مراجع عالیقدر مانند سید محسن حکیم، حاج سید ابوالقاسم خویی و آیت الله العظمی مرعشی نجفی آشنا شدم که همه آنها پیگیر تلاش من درباره فرهنگ خراسان و مسانیدی که درباره اهل بیت نوشته بودم شدند.

گفته می شود که شما ملاقاتی هم با امام موسی صدر داشتید.

گفت و گو با آیت الله حاج شیخ عزیز الله عطاردی

... و عشق، اینگونه معجزه می کند

عربی مأنوس شدم و نیز با اهل علم و ادب به گفت و گو نشستم. تحقیق و تفحص در خط ها، جهان وسیعی را به رویم گشود و مرا به دریای حدیث و معارف اهل بیت کشاند و این تجربه را به دست آوردم که چگونه با منابع و مأخذ آشنا شوم و روش کار را پیدا کنم. این جریان نیز موجب آشنایی ام با علما و فضیلاي تهران و محققان قم شد.

تحقیق شما برای کتاب "فرهنگ خراسان" از همان سالی که شروع شده تا امروز ادامه دارد. چرا سراغ خراسان رفتید و چرا این همه از سال های زندگیتان را به آن اختصاص دادید؟

سال ۱۳۴۰ متنی را می خواندم که نام یکی از بزرگان علم در آن نظرم را جلب کرد. از این رو خواستم شرح حالی از آن عالم بزرگ به دست آورم و او را معرفی کنم. به کتاب "وفیات الاعیان" ابن خلکان که شرح حال رجال است مراجعه کردم. هنگام مطالعه دیدن عنوان "خبوشان" در یک کتاب معتبر ذهن مرا چنان مشغول کرد که مطالب اصلی را فراموش کردم.

چرا اسم خبوشان برای شما مهم بود؟

چون خبوشان همان شهر باستانی خراسان است که اکنون به قوچان مشهور است و زادگاه من هم قلعه آقاییگلر در جنوب آن قرار دارد. مطالعات من درباره خبوشان موجب شد تا نظرم به عظمت منطقه خراسان از نظر علمی، ادبی، فرهنگی، سیاسی و وسعت این ناحیه جلب شود. هر چه بیشتر روی این موضوع کار می کردم، وسعت این سرزمین پهناور، بیشتر مرا به شگفتی می آورد. متوجه شدم که از قرن سوم هجری تا ظهور مغولان ویرانگر، تمام شهرها و روستاهای این منطقه مرکز نشر علم، فضیلت و دانش و هنر بوده اند. دانشمندان این منطقه در علوم گوناگون در صف اول قرار داشتند و مثل ستارگان فروزان می درخشیدند.

من با شور و اشتیاق این کار را آغاز کردم و همه طبقات اهل فضل از قدیم و جدید و متجدد و سنتی مرا تشویق کردند. تمام درهای کتابخانه ها تا به امروز به رویم باز بوده اند. چند سال کتاب های جغرافیایی را مطالعه کردم و حدود خراسان بزرگ را به دست آوردم و سپس موضوع هایی درباره رجال و علمای اهل ادب را از کتاب ها بیرون کشیدم. در این هنگام متوجه شدم که کتاب های چاپ شده از عربی و فارسی در بر گیرنده همه ابعاد علمی و فرهنگی این ناحیه نیستند و باید به کتابخانه های مختلف بروم.

نخست از کتابخانه های تهران، کتابخانه ملی ملک در بازار بین الحرمین، کتابخانه مجلسی، کتابخانه سپهسالار، کتابخانه ملی ایران و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شروع کردم. تعداد قابل توجهی کتاب هم در کتابخانه های مدارس مانند مروی پیدا کردم و این موضوع آغاز دیدار من از کتابخانه های ایران و خارج از کشور شد.

درباره این کتابخانه ها بگویید.

چن منطقه خراسان قدیم پهناور بوده، به تمام کشورهای همسایه مانند افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و ترکمنستان و کشورهای هند و مصر و به شهرهای مکه، مدینه و نجف اشرف رفتم. از طرفی دریافتم در کشورهای اروپایی نیز نسخه های خطی زیادی از فرهنگ و معارف اسلامی وجود دارند که این کتاب های علمی در دوران گذشته توسط دلالان کتاب و گروهی از متولیان در اختیار اروپاییان قرار گرفته اند. از طرف دیگر در جنگ هایی که بین مسلمانان و اروپاییان انجام گرفت کتاب های زیادی از کشورهای اسلامی غارت و به اروپا برده شدند. کتاب های زیادی از مخطوطات اسلامی هم در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی

آثار و تألیفات استاد عطاردی، محدود به رشته یا موضوع خاصی نیستند. سال ها تحقیق و تحصیل در حوزه های علمیه و سفر به کشورهای مختلف، گنجینه ای گرانمایه از آثار ارزشمند در حوزه های گوناگون عقلی و علمی از قلم وی به ارمغان آورده است. ایشان برای تألیف "فرهنگ خراسان" که از بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) آغاز شده، از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۷۰ از خلیج بنگال تا فنلاند و از رود سیحون تا رود نیل یعنی چهار قاره سفر کرده و بعد از مطالعه و فیش برداری از کتاب های کتابخانه های بزرگ دنیا، نوشتن این کتاب ها را آغاز کرده است. از مجموعه آثار وی می توان به مجموعه عظیم "مسانید انمه اطهار" و "فرهنگ خراسان" و بیش از ۱۵۰ جلد کتاب دیگر اشاره کرد. حاج شیخ عزیز الله عطاردی هنوز در کتابخانه تخصصی خود که وقف امام رضا(ع) کرده است تحقیق می کند و می نویسد و بی شک تاریخ اسلام و شیعه و مردم ایران مدیون تلاش ها و پژوهش های وی خواهند بود.

عزت اسماعیلی - کتاب هفته

شما از جمله کسانی هستید که کامل ترین منابع را جمع آوری کرده و هزاران صفحه کتاب درباره موضوع های مختلف نوشته و بیش از ۶۰ سال فقط به کار تحقیق و پژوهش پرداخته اید. این علاقه مندی و پشتکار، چگونه در وجود شما شکل گرفت؟

از کودکی و خردسالی به کتاب خواندن و مطالعه عشق داشتم و همواره با کتاب مأنوس بودم. از چهار سالگی در مکتب خانه سنتی نزد معلم روحانی دهکده درس می خواندم. این شور و عشق همچنان ادامه داشت تا جایی که گاهی شب ها مادرم کتاب را از دستم می گرفت و می گفت: اندکی با همسلان خود رفت و آمد داشته باش! اما هیچ چیز دیگر نمی توانست جای عشق و علاقه به خواندن را بگیرد. از طرفی مرحوم پدرم، بزرگ خاندان بود و مهمانان مختلف از رؤسا و عشایر، علما و اهل وعظ به خانه ما می آمدند. یکی از وظایف من خواندن کتاب برای مهمانان پدرم بود و من ضمن خواندن کتاب برای آنان، از معلوماتشان هم که اغلب درس خوانده و مطلع بودند استفاده می کردم.

بعد از تحصیل در قوچان به مشهد رضوی رهسپار شدم و بعد از تحصیلات حوزوی به تهران مراجعت کردم. روزی که در مدرسه شیخ عبدالحسین نشسته بودم، شخصی حدودا سی ساله، با کتاب و اوراقی که حروفچینی شده بودند وارد شد و کنار من نشست و گفت: من کتاب "تحفة العقول" را چاپ می کنم. می خواهم این کتاب را با اصل آن مقابله و اصلاح کنم. به پیشنهاد ایشان اصل کتاب را به اتفاق مقابله کردیم. آن روز متوجه شدم آن شخص عالی مقام، آقای غفاری بود که در آن زمان مؤسسه ای به نام مکتب الصدوق را تأسیس کرده و به کار تحصیل مشغول بود. آن روز در این فکر فرو رفتم که من می توانم این کار را انتخاب کنم زیرا هم جنبه علمی دارد و هم فنی. با این روش می توانم هم بر معلوماتم بیفزایم و هم به کارهای علمی و تصحیح و امور چاپ آشنا شوم. آقای غفاری مردی پرکار و مصححی بسیار ماهر و امین بود.

بعد از کتاب "تحفة العقول" مشغول تصحیح چه کتابی شدید؟

در حقیقت از سال ۱۳۴۴ فعالیت علمی ام را آغاز کردم و نخستین کارم، تصحیح کتاب "فروع کافی" بود که در پنج جلد به چاپ رسید. در طول شش سال تصحیح متون با کتابخانه های مشهد و تهران ارتباط برقرار کردم و با خط های فارسی و

مسند حضرت زهرا(س) یک جلد، مسند امام حسن(ع) در یک جلد، امام حسین(ع) در سه جلد، امام سجاد(ع) در سه جلد، امام محمد باقر(ع) در شش جلد، امام صادق(ع) در ۲۲ جلد، امام موسی بن جعفر(ع) در سه جلد، امام رضا(ع) در دو جلد، امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و امام حسن عسکری هر یک در یک جلد و مسند امام علی(ع) در ۲۷ جلد به چاپ رسیده اند.

چرا مسند امیرالمؤمنین اینقدر طولانی است؟
مسند امیرالمؤمنین از همه مسندهای امامان مشروح تر و در ۲۷ جلد چاپ شده است.

علی(ع) چهارساله بود که به خانه رسول الله(ص) رفت و در دامان آن حضرت بزرگ شد. بعد از ظهور اسلام، نخستین مسلمان و نخستین نمازگزار بود. او همیشه کنار پیامبر بود. هشت جلد آن مسند تاریخ زندگی آن حضرت از تولد تا شهادت و شش جلد آن فضایل و مناقب آن حضرت است. در هفت جلد آن عقاید و احکام و تفسیر قرآن و دعا از طریق اهل بیت است. یک جلد آن از طریق اخبار زیدیه و اسماعیلیه است و دو جلد آن هم اخبار اهل سنت است و یک جلد آن روایان آن حضرت هستند.

شما علاوه بر مسند امیرالمؤمنین، کتاب های زیادی درباره نهج البلاغه تألیف کرده اید. تفاوت این گونه تألیف های شما با دیگر تألیف های مربوط به نهج البلاغه در چیست؟

سال ۱۳۶۵ شمسی مقارن با هزارمین سال تألیف نهج البلاغه بود که در نظر گرفتم متنی از نهج البلاغه را با قدیمی ترین نسخه مقابله کنم. بعد از تحقیق، نسخه های قدیمی را به دست آوردم و با کتاب شناسان به گفت و گو نشستم.

اخیراً چاپ دو اثر معروف و خواندنی از ادیب و شاعر فرزانه: جناب دکتر حسین رزمجو استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد، که سابقه ای افزون بر پنجاه سال کار موفق در تولید ادبیات متعهد اسلامی با کارنامه ای درخشان را دارا است، توسط مجمع جهانی اهل بیت(ع) در تهران به زیور طبع آراسته شده و به دوستان کتاب های خوب اهدا گردیده است.

با ذکر این مطلب که کتاب رازها و نیازها در شماره نیمه دوم مردادماه معرفی شده است، اینک در این شماره به معرفی کتاب شمع جمع آفرینش می پردازیم.

شمع جمع آفرینش

این کتاب که چاپ دوم آن در سه هزار نسخه در اواخر بهار سال جاری (۱۳۹۰ ش) در تهران انجام یافته است، و موضوع آن: درباره یگانگی خداوند متعال، صفات جلال و جمال او، لغزشگاه های انسان در مسیر حیات تکاملیش، نیاز وی به رهبران الهی به منظور طی راه کمال می باشد. و همراه است با ستایش هایی از خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) و جانشینان برحق و شایسته ایشان: دوازده امام معصوم تشیع علوی(ع) و عظمت قرآن مجید - کتاب آسمانی اسلام - با پیشگفتاری زیبا و بلیغ که عبارات ذیل آغازگر آن است، خواننده اهداف بلند نویسنده را در تدوین کتاب مذکور این گونه می خواند:

بهارگاه سال ۱۳۸۲ خورشیدی، برای نگارنده این نوشتار روزهایی خوش و فرخنده و موهبتی بود از جانب پروردگار دانای مهربان که به این بنده کوچک - در جریان مطالعاتی که پیرامون تاریخ صدر اسلامی داشتم، ارزانی شد. زیرا در آن هنگام که اندیشه حقیر چنانا پروانه ای عاشق در طواف شمع وجود ذهنی شخصیت والای پیشوای اسلام حضرت محمد(ص) و جانشین بلافضلش امام علی بن ابیطالب بود، و مرغ خیال در فضای بیکران

پس از مدت های تحقیق، نسخه هایی از این کتاب را که در قرن ۵ و ۶ نوشته شده بودند، پیدا کردم. سال ۱۳۶۰ به هندوستان سفر کردم و نسخه کتابخانه دانشگاه علیگر هندوستان را که در ۱۸۰ صفحه تحریر شده است، دیدم. در طول ۷ ماه در هندوستان حدود چهل کتابخانه را برای دیدن نسخه های خطی مورد بررسی قرار دادم و از آنها بهره گرفتم. در نهایت پنج نسخه از متن نهج البلاغه را که در قرن ۵ و ۶ تحریر شده بود در کتابخانه خصوصی یافتم و کار تصحیح را آغاز کردم.

علاوه بر تصحیح نهج البلاغه چه فعالیت هایی در این زمینه انجام داده اید؟

تألیف کتاب علمای خراسان و نهج البلاغه پاسخ به معاندان نهج البلاغه، اجازات نهج البلاغه و کتابی در زمینه گرد آوردن دانگان سخنان علی(ع) و زندگانی سید رضی را انجام داده ام و به تصحیح متون حدائق الحقایق، منهاج البراعه، اعلام نهج البلاغه و شرح نهج البلاغه پرداختم.

با توجه به این که شما سال ها در زمینه مسند نگاری تحقیق کرده اید، اگر کسانی بخواهند این راه را برگزینند چه مسیری را باید طی کنند؟ چون شرط اصلی، شناخت احادیث صحیح است.

نخست آن که باید عشق و علاقه راستین داشته باشند. در همه زمان ها تعداد زیادی از نویسندگان کتاب می نویسند اما همیشه نویسندگان چند دسته اند؛ یک گروه اخیر می شوند تا کتابی را با موضوعی خاص بنویسند. در این اوضاع نویسنده باید به سلیقه سفارش دهنده، کتاب بنویسد. گروهی دیگر به دلیل باورهای سیاسی خود کتاب می نویسند که بعضاً ماندگار نیستند اما افرادی هستند که فقط و

تاریخ اسلام در پرواز، و ناخودآگاه بیت ذیل در ستایش این دو انسان کامل - بل اكمل - در ذهنم شکل گرفت و این گونه به قلم آمد:

محمد(ص) شمع جمع آفرینش علی(ع) سرحلقه ارباب پیش

در این لحظات خاص، که شاید جز با صفت یدرک و لایوصف نتوان به توصیف آن پرداخت، گویی سروشی از غیب در گوش جانم چنین گفت و این بنده کوچک خدای را بر آن داشت تا همتی کند و به شیوه و سنت قدما - یا گویندگان عارف و حکیمی نظیر: فردوسی، سنایی، عطار، نظامی و سعدی و... مثنوی بسراید که حسن مطلع آن توحید و صفات جلالت و جماله پروردگار هستی باشد. و پس از آن - اگر بتواند - دورنمایی از مسیر تکاملی حیات روحانی انسانی را ترسیم کند. و موانع و لغزشگاه هایی را که در این راه وجود دارد بنماید، همچنین نیاز آدمی را به رهبران الهی - به منظور پیمودن آن طریق مدلل سازد. و مآلاً در نعت خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) که - شمع جمع آفرینش - است، و بزرگداشت راهنام جاوید بشریت - قرآن کریم - و ستایش دوازده ستاره آسمان امامت و ولایت که پیشوایان حقیقی جامعه انسانی هستند، سخن بگوید. و ضمن بحثی در مناقب ایشان، برجسته ترین خطوط از حیات متعالی و مکارم اخلاقی آنان را با یاری خواستن از هنر شعر - که الهام بخش، حسن آفرین و محبت زاست، به صورت منظوم بیان کند - همراه با گزیده هایی از کلمات قصارشان - چنانکه مبتدیان را رهنمون باشد، و مؤمنان آزموده صاحبدل را بر اخلاص بندگیشان بیفزاید! خلاصه: به قول شیخ اجل و استاد سخن: مصلح الدین سعدی: هنوز از گل بستان بقتی مانده بود... و اواخر دولت ورد رسیده... که توفیق این اثر نصیب گردید و مجموعه شمع جمع آفرینش به سلک نظم در آمد.

و از نکته هایی حائز اهمیت در تدوین و سرایش این اثر ماندگار - همانطور که مؤلف خود

فقط به خاطر عشقشان کتاب می نویسند. برای مسند نویسی هم باید جزو این گروه باشید. کسی که می خواهد مسندنگاری بکند، باید اول کتاب حدیث را بشناسد و به ادبیات مسلط باشد و اگر وارد مسیر درست شود، خودش بعد از سال ها می تواند حدیث درست را تشخیص دهد.

در بین محدثان شیعه، نسبت به علمای اهل سنت مسندنگاری کمتر است؟

خیر. در بین علمای اهل سنت ۴ یا ۵ نفر مسندنگار بیشتر نیستند و بیشتر آنها مصحح اند؛ در واقع اهل سنت از صحابه نقل می کنند اما شیعیان سخنان ائمه اطهار(ع) را جدا از پیغمبر نمی دانند.

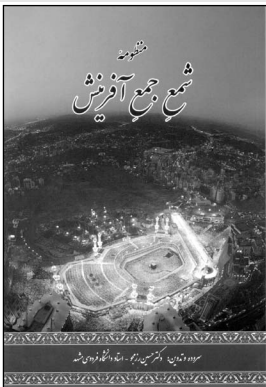
مسندی هم درباره حضرت مهدی(عج) تألیف کرده اید؟

درباره ایشان مسندی نمی توان نوشت زیرا مسند یعنی سند دار بودن مطلب و نیازمند شاگرد و استاد و داشتن حوزه درسی است. البته هر یک از مسانید یک کتاب الغیبه دارد.

شما در تمام کارهای تحقیقاتی خود به تنهایی فعالیت کرده اید یا کسانی در این راه به شما کمک کرده اند؟

از آغاز سال ۱۳۴۰ تا به امروز کار تحقیقاتی را به تنهایی انجام داده ام و تنهایی به سفرهای زیادی رفته ام. در بخشی از سفرهایم با پای پیاده مناطق دیدنی آنجا را مثل افغانستان پیموده ام. روش کار من اینگونه است که بعد از تحقیق، کتاب هایم را فیش برداری می کنم و بعد می نویسم و بعد از حروفچینی، خودم دوباره تصحیح می کنم و توسط انتشارات خودم (عطار) چاپ می کنم و در همین کتابخانه که وقف امام رضا(ع) کرده ام، می فروشم. تا به امروز هیچ

یک کتاب خواندنی و آموزنده از دکتر رزمجو



بدان اشاره کرده این است که: با آنکه در قلمرو ادبیات هزارساله فارسی، گویندگانی بزرگ: آثار فراوانی در قالب های متنوع شعر از قصیده، مثنوی، غزل، ترجیع بند تا مسمط، ترکیب بند و دیگر قوالب شعری در بزرگداشت پیشوایان راستین اسلام خلق کرده و از این رهگذر ارادتشان را به پیشگاه خاندان عصمت و طهارت(ع) - به زیباترین وجه بیان داشته اند، ولی تا آن جا که نگارنده تحقیق کرده و می داند: تاکنون منظومه ای نظیر این مثنوی که در آن یک جاد در نعت چهارده معصوم(ع) - از نبی اکرم(ص) تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن هم به تفکیک و تفصیل اما پیوسته و مستند به منابع و مأخذی موثق - در یک هزار و چهارصد و شصت و دو بیت سروده و درواقع دورنمایی از زندگانی پربرکت ایشان را به تصویر کشیده باشد، وجود ندارد. و مآلاً شاید این نکته مزیتی منحصر به فرد برای اثر حاضر محسوب شود. و ضمناً فتح بابی باشد برای شاعران دین باوری که قصد دارند در آینده پیرامون منزلت پیامبر اکرم(ص) و خاندان بزرگ او طبع آزمایی کنند و آثاری را به وجود آرند.

بحث درباره ویژگی ها و بررسی سبک نگارش و سرایش شمع جمع آفرینش نیاز به مقاله ای مستقل دارد و در اینجا اشاره ای به مقدمه ناشر محترم می نمایم و مطالعه اصل کتاب را توصیه می کنیم:

جناب دکتر حسین رزمجو، در منظومه شمع جمع آفرینش تلاش کرده اند تا در قالب شعر و با استفاده از ادبیات منظوم: یگانگی، جلال و جمال خداوند، همچنین برخی از اوصاف چهارده معصوم علیهم السلام را با زبان بلیغ و صنیع شعر، پیش چشم مخاطب نهند و به شیوه ای کاملاً بدیع و از زاویه ای کاملاً متفاوت و تازه به شرح اوصاف

تبلیغی برای کتاب هایم انجام نداده ام و اکثر کتاب هایم حتی "مسند امیرالمؤمنین" که ۲۷ جلد دارد را فروخته ام و نیاز به چاپ مجدد دارد. در هیچ اداره و مکانی مشغول به کار نشده ام، حتی کار تدریس هم انجام نداده ام و باخودم عهد کردم تمام وقتم را صرف مسندنگاری برای اهل بیت و فرهنگ خراسان بکنم.

شما دائماً در سفر بودید. در این سفرها خانواده شما کنارتان نبوده اند؟

به دلیل کارهای تحقیقاتی دیر ازدواج کردم. ازدوادم در سال ۱۳۵۱ بود و اکثر سفرهایم تا قبل از آن سال ها انجام شده بودند. البته بعد از ازدواج به اتفاق همسر به یمن، قاهره و هندوستان رفتیم. اما بعد از این که صاحب فرزند شدیم، ایشان نتوانستند همراه من در سفرها باشند.

تاکنون چند جلد کتاب از شما به چاپ رسیده اند؟

بیش از ۱۵۰ جلد و صد جلد دیگر هم نوشته شده که هنوز به چاپ نرسیده اند.

چه کتاب هایی در دست تحقیق دارید؟

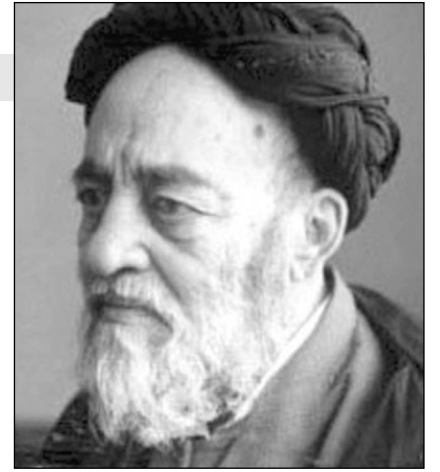
بخش های باقیمانده از فرهنگ خراسان، علما و ادبای تهران، عطاردی ها در تاریخ، لغات فارسی در زبان عربی، اعلام شاهنامه، فرهنگ جغرافیای شاهنامه، لغات عربی در شاهنامه، دایره المعارف شیعه امامیه، فرهنگ سیستان، زابلستان و نیمروز. از زمانی که مشغول تحقیق درباره خراسان شدم توجهم به منطقه سیستان و ارتباط نزدیک این منطقه با خراسان از نظر تاریخی و فرهنگی جلب شد. انشاءالله اگر عمری باقی بماند تا سال ۱۴۰۰ خورشیدی این تحقیق را به سرانجام رسانده و به چاپ خواهم رساند.

امامان معصوم(ع) پرداخته اند.

در این کتاب علاوه بر این که پژوهش جامع و کاملی در خصوص توصیف معصومین علیهم السلام در قالب نظم صورت گرفته است، تمرکز بر جنبه های تربیتی نیز شواهدی زیاد دارد. استاد جلیل القدر: دکتر حسین رزمجو محقق و پژوهشگر و از چهره های ماندگار در ادب معاصر که اخیراً پیشنهاد چاپ کتاب

حاضر را از مجمع جهانی اهل بیت پذیرفته اند، تاکنون بیش از چهل جلد کتاب در موضوعات دینی، ادبی، اجتماعی و... تألیف کرده و ده ها مقاله از ایشان در مجلات معتبر داخل و خارج کشور نشر شده است. آنچه مسلم است: یکی از خلاءهایی که در عصر حاضر در جامعه ما وجود دارد، کمبود کتب اخلاقی، اجتماعی و تربیتی ست. که باید ریشه در وحی و کلام پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه اطهار علیهم السلام داشته باشد؛ و این در حالی ست که قرآن کریم و معصومان(ع) سخن خود را با زبانی ساده و بدون پیچیدگی و تکلف بیان می کنند. و این امکان را به همگان می دهند تا از بیکران دریاهای معارفشان بهره گیرند.

مجمع جهانی اهل بیت(ع) به منظور رفع این نقیصه و در راستای رسالت خود که همانا ترویج فرهنگ دینی و معارف اهل بیت(ع) است، کتاب شمع جمع آفرینش را که ماحصل چند سال تلاش عالم و نویسنده متعهد جناب آقای دکتر حسین رزمجو می باشد، به دست چاپ سپرده و ضمن توفیق برای ایشان، رجاء واثق دارد، تا این اثر جذاب و منظوم که در نوع خود فرید و بی نظیر است، برای تشنگان معارف اسلامی - بویژه نسل جوان - مفید فایده واقع شود.



لزوم موافقت طریقت با شریعت

شک نیست که طریقی سیر معنوی و معرفت نفس، در صورت صحت، راه روشنی برای خداشناسی (یا به عبارت دیگر معادشناسی) است و برای کسی که رهسپار این راه گردد و از مخاطرات آن مصون مانده، از پای در نیاید، حق و حقیقت عیان می شود. روی این اصل، آیا متصور است که اسلام که دین توحید است و هدفی جز تعلیم "خداشناسی" ندارد، بهترین راه از راه های خداشناسی را القا و به بیان و تعلیم راهی نسبتاً پایین تر از آن، پردازد و به منزلی ساده تر و بسیط تر از آن هدایت کند؟

درست است که معارف حقیقی در خور افهام عمومی نیست و اسرار هستی و رازهای نهان آفرینش، برای غیر مردان خدا که به تمام معنی دامن کبریا حق را گرفته، همه چیز را فراموش نموده اند کشف نمی شود؛ ولی لازمه این خاصیت، این نیست که از بیان و تعلیم این راه صرف نظر شود، بلکه این است که برای رعایت حال افکار عامه و حفظ حقوق خاصه، بدون اینکه پرده دری شود، در لفافه ایما و اشاره، با لطیف ترین تلویح، مانند سخن در میان سخن، به هر نحو ممکن به افهام خاصه رسانیده شود.

این نظری است که عقل سلیم آن را تصدیق کرده و کتاب و سنت آن را تأیید می نماید. خداوند عز اسمہ در کلام خود در مثلی که در خصوص سنت جاریه خود می زند، باران تحقق و هستی را که به سر عالمیان می باراند و همچنین معارف حقیقی را که برای تعلیم و تربیت به افهام بندگان خود نازل می نماید، به بارانی تشبیه می کند که از آسمان به زمین باراند و در نتیجه مسیل ها و دره ها، هر کدام به حسب ظرفیت و گنجایش خود سیلی برداشته، جاری سازد. در پیشاپیش و روی این سیل، کف زیادی مشاهده می شود که با آب مخلوط شده است، ولی بالاخره آنچه کف است، هیچ و پوچ شده و از میان می رود و آنچه به درد مردم می خورد و از آن انتفاع می برند که آب خالص بوده باشد، در زمین مانده و ذخیره می شود. این مثل دلالت دارد بر اینکه بیانات دینی به نحوی تنظیم شده اند که همه افهام با اختلاف زیادی که دارند، از آن بهره مند می شوند و هر کس به فراخور حال و طبق ظرفیت خود، از آنها برخوردار است، و آیات دیگری از قرآن کریم نیز به همین معنی دلالت می کند.

نبی اکرم (ص) در حدیث بین الفریقین می فرماید: "ما گروه پیامبران با مردم به اندازه عقول آنها سخن می گویم." پر روشن است که این حدیث، ناظر به کیفیت بیان و تکلیم است، نه به کمیت آن. منظور حدیث این نیست که نبی اکرم (ص) مثلاً با یکی از افراد امت خود صد جمله سخن گوید یا به وی صد مسئله دینی را تعلیم دهد و به شخص دیگر دویست جمله یا دویست مسئله؛ زیرا بیانات دینی ظاهراً به همه طور یکنواخت القا شده است؛ منظور حدیث این است که مطلب یکی است، ولی هر کس

به حسب فهم خود، نوع خطابی مخصوص به خویش دارد.

از راه دیگر، قرآن شریف در آیات بسیاری، مردم را به پیمودن راه خدا و گاهی به اتباع راه نبی اکرم (ص) یا راه مؤمنان که همان راه خداست، دعوت می کند و کسانی را که از این راه، سرپیچیده، دوری می جویند، به هلاک ابدی و عذاب الهی تهدید می کند، و هرگز متصور نیست که حکیم علی الاطلاق، راه شریعت را که در همه جا راه خود معرفی نموده، اراده نکند و به جای آن به راهی که هرگز بیان کرده و برای مردم مجهول است، دعوت نماید، و بر تقدیر اینکه راه شریعت را اراده کرده باشد و این همه اسرار در سلوک آن کند، هر راهی که پیمودن آن مستلزم اهمال یا الغای راه شریعت یا بخش هایی از راه شریعت باشد، راه خدا نیست و قطعاً بیراهه گمراهی و ضلال است.

گذشته از اینها، قرآن کریم در آیه سی ام از سوره روم و نیز در آیات دیگری، اسلام را دین فطرت و خلقت معرفی می کند و توضیح می دهد که سعادت حقیقی انسان را دین مخصوص و روش خاصی از زندگی (اعمال حیاتی) می تواند تأمین کند که به خلقت و آفرینش ویژه انسانی انطباق پذیرد.

انسان، آفریده مخصوص و جزء غیر قابل انفکاک است از دستگاه عظیم آفرینش، و به همراهی این سازمان پهناور بزرگ، به سوی خدای آفرینش در سیر و سلوک است و باید روش مخصوصی در زندگی خود اتخاذ کند که با مقتضیات آفرینش که خود نیز جزئی از آن است، تضاد و تناقض نداشته باشد. این روش مخصوص، شریعت مقدس اسلام است که مواد اعتقادی و عملی آن در خلقت و آفرینش جهان و انسان منطبق است و انسان را آن گونه که آفرینش پیش بینی کرده و به وجود آورده و در شاهراه سعادت و سیر معاد انداخته، دست نخورده با همان زاد و راحله فطری خویش به راه می اندازد و به سوی آخرین مرحله کمال و سعادت رهبری می نماید. دین حنیف اسلام، انسان را در حال اجتماع پرورش می دهد و یک رشته رفتار و گرفتاری را که نسبت به موقعیت تکوینی او زیان بخش است، تحریم کرده و یک سلسله از اعمال و افعال را که نظر به زندگی جاوید انسان، نافع و سودمند است، ایجاب و دستور اجرا و عمل آنها را صادر نموده است.

در هر حال، هیچ گونه تمیز فردی در اسلام منظور نشده است و به هیچ یک از طبقات مردم اجازه داده نشده که روشی را در زندگی انتخاب کنند یا به اعمال و افعال خاصی پردازند که بیرون از روش های عمومی اسلام باشد؛ زندگی انفرادی اختیار کنند یا از ازدواج و توالد و تناسل یا از کسب و کار سر باز زنند، یا پاره ای از واجبات را از حق شاغل دانسته، به ترک آنها بکوشند، یا برخی از محرمات را مانند معشوق بازی و باده گساری و پرده دری، وسیله وصول به حق و شرط سیر و سلوک قرار دهند، یا آبروریزی و گدایی و هرگونه سبک وزنی را از اسباب تهذیب اخلاق نفس بشمارند.

البته مراد ما از این مخالفت های دینی که بر می شماریم، معصیت ها و تخلف هایی نیست که افراد از راه سستی ایمان و بی اعتنائی به مقررات دین و آیین مرتکب می شوند؛ زیرا این گونه گرفتاری فعلاً همه جهان را فرا گرفته است و اکثریت افراد هر طبقه ای از طبقات دینی، وظایف دینی خود را انجام نداده، راه بی بند و باری را در پیش گرفته اند، و گذشته از اینکه این بحث و گفتگوی ما جنبه تبلیغ ندارد، نمی خواهیم افکار عمومی را علیه کسی یا طایفه ای

امام علی (ع)، منشأ پیدایش سیر معنوی

بخش پایانی

گفتاری از علامه طباطبائی

بشورانیم و اصولاً آب از سر گذشته است و به کردار و رفتار هر طایفه ای بخواهیم دست زده و خرده گیری نماییم، طوایف دیگر، رنگین تر و ننگین تر از آن را دارند:

گر حکم شود که مست گیرند

در شهر هر آن که هست، گیرند بلکه مراد ما یک رشته کردارها و رفتارهای بیرون از مجرای شریعت اسلامی است که در سلسله های مختلف عرفان، جزء طریقت قرار گرفته است.

جواب یک اشکال

خلاصه چنان که متن بیانات دینی دلالت دارد بر اینکه یکی از راه های وصول به حقایق دینی و اسرار الهی، راه کشف و شهود است، همچنان دلالت دارد بر اینکه زاد و راحله این راه، همان مواد اعتقادی و عملی است که در کتاب و سنت بیان گردیده و تنها دریچه ای که با باز کردن آن، فضای پاک حقایق به انسان خودنمایی می کند، همان دریچه عمل به شریعت است و بس.

ممکن است کسی تصور نماید که: ما به بسیاری از اهل تعبد و صاحبان زهد و عبادت بر می خوریم که با اینکه کمترین فروگذاری در طاعات و عبادات نمی کنند، کوچکترین قدمی در معرفت حقایق برنداشته اند. باید متذکر این نکته بود که ساختمان باطنی یک فرد از انسان، مانند ساختمان ظاهری وی مختلف است و اختلافات ترکیبی که در افراد انسان مشهود است، نظیر آنها در ترکیبات باطنی آنان نیز وجود دارد و همچنین نظایر انحرافات مزاجی گوناگون در طبایع افراد، انحرافات و اعوجاجات باطنی نیز وجود دارد.

چنان که هر غذایی با اینکه از اجزای طبیعت مأخوذ است، با هر بدنی مناسب نیست و هر دوائی نیز با اینکه از اجزای طبیعت مأخوذ است، با هر مزاجی سازش ندارد، بلکه هر ترکیبی در جایی غذا و در جای دیگر غیر قابل هضم، و در موردی شفا و در مورد دیگر سم است، همین قیاس و نسبت در اغذیه و ادویه روحانی نیز موجود است و دستورات عملی و اخلاقی شریعت، در تقدیس و اصلاح ارواح انسانی، با اختلافات فاحش که در افراد هست، همان حکم دستورات طبی در اغذیه و ادویه را دارند.

در شرع اسلام، دواها و سم های عمومی داریم که همان واجبات و محرمات عملی فقهی می باشند و رعایت جانب آنها، برای حفظ کمترین حد لازم از بهداشت روحی انسان ضروری است، و برای به دست آوردن درجات و مراتب گوناگون کمالات روحی، باید قدم های دیگری برای اصلاح و تصفیه حالات روحی برداشت و مجاهدت های دقیق تر و عمیق تری برای تخلیه قلب از غیر یاد خدا و تحصیل اخلاص کامل بندگی نمود که بدون تنظیم دقیق حالات روحی که به دست خبرت و معرفت انجام گیرد، صورت پذیر نیست.

از اینجا روشن می شود که مراقبت کامل اعمال دینی از قبیل طاعات و عبادات، همان مرحله عمومی تقوای دینی را نتیجه می دهد و بس، و نیز روشن می شود که سیر در مراتب بعدی کمال و ارتقا و عروج به مدارج عالی سعادت باطنی، دلیل و رهبری می خواهد که انسان با هدایت و راهنمایی وی، قدم در راه گذاشته، به سیر پردازد و در امتداد مسیر، زمام طاعت را به دست وی بسپارد و البته متبوعیت و مطاعیت (دستورات) وی نیز در زمینه مراعات کامل متن شریعت خواهد بود، نه در دستوراتی که به حسب شرع، مجاز شناخته نشده باشد و حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال نماید.

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی:

کسی برای احیای واجبات

فراموش شده احساس

تکلیف نمی کند

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید مرکز تخصصی مهدویت در سخنانی بیان داشت: تا چند ماه دیگر انتخابات است و برای انتخابات پنج هزار نفر احساس تکلیف و وظیفه شرعی می کنند اما برای احیای واجبات فراموش شده مانند زکات و ... کسی احساس تکلیف نمی کند.

وی خطاب به مبلغان و طلاب اضافه کرد: تا واجبی وجود دارد برای تبلیغ سراغ مستحبات نروید و تا واجب فراموش شده ای هست سراغ واجبات بورس نروید.

قرائتی ادامه داد: اگر حدیثی را بلد هستید و خودتان نمی توانید آن را در تلویزیون و برای مخاطبان میلیونی مطرح کنید به فردی که می تواند یادآوری کنید تا برای مردم بازگو کند.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور با تأکید بر پرداختن به پژوهش های ضروری و مورد نیاز در کشور بیان داشت: یکسری پژوهش ها و تحقیقاتی که انجام می شود نه واجب و است و نه مستحب و مشکلی از مشکلات مردم را حل نمی کند.

وی اظهار داشت: گاهی ما از برخی امور غفلت داریم و خود را اسیر القاب و عناوین می کنیم و قرآن غافلان را در ردیف چهارپایان می داند.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور گفت: در حالی که مبلغان مسیحی و دیگران تلاش زیادی دارند ما نباید کم کاری و غفلت داشته باشیم.

موسس مرکز تخصصی مهدویت با بیان اینکه دروس باید جهت دار باشد ادامه داد: در تفسیر قرآن رعایت چند اصل لازم است، تفسیر باید سئوالات جامعه را پاسخ دهد، ظلمتی را به نور تبدیل کند دردی را شفا دهد.

وی با بیان اینکه یادگیری ادبیات برای طلبه لازم است اما حفظ الفیه نه واجب، نه مستحب است و من به آن اعتقادی ندارم زیرا باید علمی را فراگیریم و تبلیغ کنیم که به درد مردم بخورد.

قرائتی با بیان اینکه باید مقتضیات زمان را در تبلیغ مورد توجه قرار دهیم اظهار داشت: بخشی از عمر ما صرف اموری می شود که نه واجب و نه مستحب است و نه نیازی از فرد و نه نیازی از جامعه را رفع می کند.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور طلاب را بر پرهیز از لقب گرایی و عنوان ترغیب و تأکید کرد: اگر درصدد این امور باشیم راه پیشرفت ما کند می شود.

وی با اشاره به فعالیت های مرکز تخصصی مهدویت با بیان اینکه این مرکز با کمترین امکانات در حال اداره شدن است تصریح کرد: این مرکز در سال گذشته موفق شده هزار و ۵۰۰ سفر تبلیغی برای متخصصان خود داشته باشد و در تابستان امسال نیز ۶۳۰ کلاس مهدویت در مجتمع یاوران مهدی (عج) در جهمکران برگزار کرده است.

است... روابط بعدی اخوان با آیت الله کاشانی و نامه معروف شهید سید قطب به ایشان، مشهورتر از آنست که من در اینجا نقل کنم... شهید سید مجتبی نواب صفوی پس از شرکت در مؤتمر قدس، به دعوت سید قطب، باز طبق درخواست نامبرده به قاهره رفت و میهمان اخوان بود و من داستان آن را در کتاب "زندگی و مبارزه نواب صفوی" - چاپ مؤسسه اطلاعات - به تفصیل آورده ام.. سپس این روابط توسط اخوان با ایران ادامه یافت تا انقلاب پیروز گردید... و اخوان از چند کشور عربی - اسلامی، رهبران یا نمایندگان ارشد خود را برای عرض تبریک به امام خمینی و ملت ایران، با یک پرواز اختصاصی به ایران فرستاد... و سپس در جنگ ظالمانه امپریالیسم غرب، برضد ایران اسلامی، با همکاری ارتجاع عرب و به سرکردگی حزب بعث و صدام، اخوان ضمن دعوت به "صلح" همواره از ایران اسلامی دفاع کرد و یا نمایندگانی به ایران فرستاد...

۱۳- عجیب است که با این دفاع مستمر و پی گیری همه جانبه، بگوئیم که اخوان موضع روشنی در قبال ایران نداشته است. ولی عجیب تر آنکه گفته شود: "اخوان در دوران مبارک با ایران و تشیع مخالفت کردند؟! البته این اتهام هیچگونه سند و مدرک و شاهد ... ندارد و شاید از وسایل ارتباط جمعی دیگران - اینترنت و سایت ها - اقتباس و نقل شده است... بی مناسبت نیست که توضیح بیشتری داده شود: در مورد تشیع اشاره کردیم که مواضع اخوان از آغاز تأسیس و تا به امروز، در قبال شیعه و تشیع چگونه بوده است... آخرین نمونه آن مقاله مشروح استاد مهندس یوسف ندا - از اعضای ارشد اخوان - درباره شیعه بود که من ترجمه آن را در روزنامه اطلاعات دو سال قبل منتشر ساختم و شاهد زنده این، دفاع از تشیع، پشتیبانی رسمی و علنی شیخ محمد عاکف رهبر و مرشد اخوان در زمان تجاوز اسرائیل به لبنان و

جنگ ۳۳ روزه بود که بطور رسمی و علنی و شفاف اعلام کرد که از دفاع مقدس حزب الله در لبنان، پشتیبانی می کند و حاضر است ده هزار میلشیای آموزش دیده و مسلح، برای کمک به برادران حزب الله، به لبنان بفرستد... و من نمی دانم که کدام یک از اعضای مکتب ارشاد یا رهبران اخوان، در کدام دوران و در کجا و کدام نشریه یا بیانیه، با ایران و تشیع مخالفت کرده اند؟ لابد مراد ایشان مفتیان نفتی آل سعود بوده که حتی دعا کردن برای پیروزی حزب الله در جنگ علیه اسرائیل را تحریم! کردند... ۱۴- "سیاسی کارهای حرفه ای" نامیدن اخوان، ظلم مضاعفی است که توسط دوست عزیز ما در حق برادران روا رفته است و بدون پذیرفتن اشتباه و عذرخواهی کتبی، فکر نمی کنم که این اتهام قابل گذشت باشد یا فراموش بشود. ۱۵- نویسنده محترم مقاله، که دوستی سی ساله ما با ایشان همچنان ادامه دارد و برای آخرین بار هم

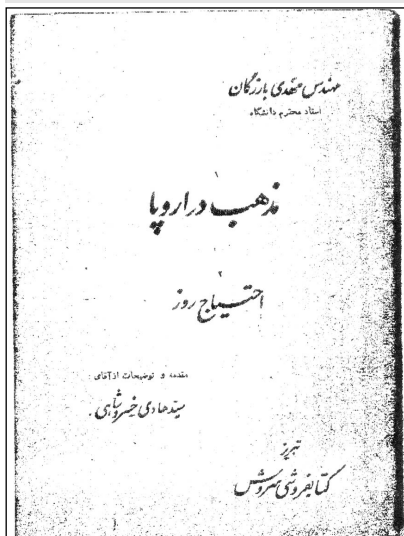
در جلسه روز یکشنبه ۹۰/۵/۲، در تهران، "سرای اهل قلم" در کنار هم، به بررسی و نقد کتاب ریچارد میشل، مؤلف کتاب "اخوان المسلمین" و استاد تاریخ در دانشگاه میشیگان پرداختیم و این توضیح ما البته به عنوان "مبارزه" مطرح نمی شود، بلکه به عنوان "تصحیح" مطلب و بیان دیدگاهی دیگر، اما مستند درباره مواضع شفاف و روشن اخوان درباره سیاست داخلی در مصر و انقلاب جوانان و مسئله ایران و تشیع است. و البته من ترجیح می دهم که به این خلاصه، فعلاً اکتفا شود و اگر مجله "نسیم" بیداری" میزگردی را با شرکت جمعی از اهل نظر و آشنا با مسائل منطقه - بویژه مصر - تشکیل دهد، من آمادگی دارم که مطالب مستند بسیاری را مطرح سازم که می تواند روشنگر حقایق باشد...

والسلام علی من اتبع الهدی
قم: ۹۰/۵/۵- سید هادی خسروشاهی
مرکز بررسی های اسلامی

حاشیه‌ای بر دفتر خاطرات

تکمیل و تصحیح یک توضیح تاریخی

استاد سید هادی خسروشاهی



▲ احتیاج روز - چاپ تبریز ۱۳۴۱ - کتابفروشی سروش
اشاره کرد. در آن سخنرانی مهندس بازرگان به لزوم تشکیل یک تشکل که اساس آن بر "عمل" باشد، تأکید فراوانی کرد. علاوه بر "متاع"، تعداد زیادی هم انجمن تشکیل شد، از جمله تعدادی انجمن اسلامی محلات و همچنین انجمن اسلامی پزشکان و مسلمان و مهندسین بود... (نیم قرن خاطره و تجربه، مهندس عزت الله سحابی، ج اول، ص ۸۸۷، چاپ تهران، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۸)
جهت اطلاع برادر ارجمند جناب کتیرائی و برای تکمیل و تصحیح تاریخ، باید اضافه کنم که نسخه‌ای از این سخنرانی "احتیاج روز" را مرحوم مهندس بازرگان به این جانب دادند که من آن را در تابستان همان سال توسط کتابفروشی "سروش" در تبریز به شکل رساله‌ای مستقل منتشر ساختم که البته طبق معمول با مقدمه‌ای از این جانب همراه بود! و بعدها هم در اسناد پرونده بنده، در ساواک تبریز، صفحات ویژه‌ای را به خود اختصاص داد که در صورت چاپ این اسناد، برادر ارجمند، از نوع همکاری این جانب با "نهضت مقاومت" و "متاع" و بعدها "نهضت آزادی" آگاه خواهند شد. البته این نکته را باید اضافه کنم که بنده هیچ وقت عضو هیچ یک از این سازمان ها و تشکل ها نبودم و فقط به فکر "عمل" بودم، نه سازمان و الفاظ و القاب! به امید آنکه جناب کتیرائی به جای چند سطر توضیح خاطرات کامل خود را منتشر سازند تا اهالی تاریخ بهره مند شوند.

تهران ۹۰/۵/۲۸
سید هادی خسروشاهی

بضیع اجر من احسن عملا.
۴- سیدمحمدباقر رضوی مهندس نبود! اولاً بنده به همراه دانشجویان اسلامی که شبهای جمعه پس از جلسه تفسیر آیت الله طالقانی در مسجد هدایت، در منطقه شمیران، محله مقصودبیک، در منزل مرحوم آقای سیدمهدی رضوی جمع می شدیم، همه را "مهندس" خطاب می کردیم، در حالی که همه دانشجو بودند و هنوز مهندس نشده بودند که از آن جمله بودند: شهید مهندس چمران، مرحوم مهندس عرب زاده، مهندس طاهری قزوینی (مترجم محترم قرآن مجید، حفظه الله)، مهندس شکیب نیا و ... بنابر همین روش، مرحوم سیدمحمدباقر رضوی را هم همه دوستان "مهندس" خطاب می کردند! و البته اشتغال ایشان در مراحل بعدی زندگی، به امور ساخت و ساز هم این لقب را تثبیت کرد!
ثانیاً با صرف نظر از این امور، آقای مهندس کتیرائی خوب می دانند که در بلاد ما، "همه دوستان یا مهندس هستند یا دکترند، مگر آنکه عکسش ثابت شود!" در این قبیل مواقع خیلی نباید در بند الفاظ و القاب بود که: "منطقی را بحث از القاب نیست!".
۵- فعالیت این حرکت متوقف نشد و فقط اعضای آن عوض شد.

البته از اینکه فعالیت متاع متوقف نگردید، باید خوشحال بود و انشاء الله خداوند به باقیماندگان از اصحاب متاع، پاداش خیر عطا فرماید.
در تکمیل این نکته، بی مناسبت نیست که خلاصه‌ای هم از گزارش مرحوم مهندس سحابی را در این زمینه نقل کنم:
"هدف اولیه "متاع" فعالیت‌های سیاسی نبود، ولی این تشکل و انجمن‌های اسلامی تحت پوشش و مرتبط با آن، پایگاه اجتماعی عظیمی را در سراسر کشور برای تبلیغ و انتشار بازتابهای حرکت‌های سیاسی ایجاد کردند. آخرین جلسه آن در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ تشکیل شد و شهید مطهری که به عنوان یکی از اعضای مؤسس تشکل "متاع" در این جلسه شرکت کرده بود، هنگام خروج از منزل ترور شد." (ناگفته‌های انقلاب، مهندس عزت الله سحابی، چاپ تهران ۱۳۸۴، ص ۲۴۳، نشر گام نو)
علاوه بر مطلب فوق، جملات دیگری از مهندس سحابی را در این باره نقل می‌کنم که باز ظاهراً برای تکمیل بحث، بی مناسبت نباشد: "... این جمعیت مخفی بود و تأسیس آن اعلام نشده بود؛ ولی مهندس بازرگان طی یک سخنرانی تحت عنوان "احتیاج روز" در روز عیدقصر سال ۱۳۳۵ به این مسئله

قدیمی ترین اعضای متاع" معرفی می‌کند، از اصول دهگانه آن خبر ندارد! این اصول دهگانه را مرحوم سید محمد باقر رضوی، توسط زنده‌یاد علامه بزرگوار جناب سید جلال الدین آشتیانی برای این جانب در قم فرستاد که همچنان نسخه ارسالی ایشان در آرشیو بنده موجود است و در خاطرات مربوط به استاد جلال آشتیانی آن را به طور کامل نقل کرده‌ام. این خاطرات، در روزنامه "اطلاعات" در چند شماره (از ۲۴ تیرماه ۸۶ تا شهریور ۸۶ و در شش قسمت) منتشر گردیده است و اگر تهیه شماره‌های روزنامه مقدور نباشد، به جلد اول کتاب "در تکاپوی آزادی" تألیف جناب یوسفی اشکوری (چاپ تهران، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، صفحه ۳۵۷ به بعد) مراجعه شود که عیناً تحت عنوان "اصول دهگانه جمعیت متاع" نقل شده است.

عجیب تر آنکه جناب کتیرائی می‌فرماید: "متاع اساسنامه نداشت! ولی مورخان معاصر می‌نویسند: ... اما اساسنامه متاع در ۲۵ ماده تنظیم شد و طبق ماده ۲۵ آن، در جلسه مورخ ۱۳۳۴/۱۱/۱۹ هیأت مؤسس تصویب شده است... (در تکاپوی آزادی، ج اول، ص ۲۲۹). البته مرحوم مهندس بازرگان در مقاله "شورای انقلاب و دولت موقت" (ص ۹) تاریخ تأسیس متاع را سال ۱۳۳۵ ذکر نموده است.
پس در تشکل "متاع" به هر حال هم اصول دهگانه‌ای وجود داشته و هم اساسنامه‌ای مکتوب... که ظاهراً به علت کبر سن و مرور زمان، جناب کتیرائی آن را فراموش کرده‌اند.

۳- در مورد اسامی مؤسسان، این جانب به‌رغم همکاری تنگاتنگ با "متاع" - توسط مهندس بازرگان، سید محمد باقر رضوی، سید جلال آشتیانی - از آن اطلاعی نداشتیم؛ ولی باز مورخان معاصر درباره آنها چنین نوشته‌اند: "اسامی مؤسسان آن اعلام نشد؛ اما می‌دانیم که مهندس بازرگان، دکتر یدالله سحابی، مهندس عزت الله سحابی، دکتر کاظم یزدی، دکتر ابراهیم یزدی، آیت الله مطهری، سید غلامرضا سعیدی، احمد آرام، آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی، کاظم حاج طرخانی، مهندس مصطفی کتیرائی و کاظم متحیدین از بنیان آن بودند. در اساسنامه دلیل اعلام نشدن بنیان و اعضایش، آمده است... (در تکاپوی آزادی ص ۲۳۰).

به هر حال چه این بزرگوران از قدیمی ترین یاران و یا مؤسسان اصلی این حرکت باشند یا نباشند، بی تردید در اقدامات و فعالیت‌های مثبت مکتب "متاع" نقش مؤثری داشته‌اند و: ان الله لا

در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۹۰، جریده شریفه "اطلاعات"، خاطراتی از این جانب، درباره زنده یاد مهندس عزت الله سحابی به مناسبت چهلمین روز درگذشت وی، منتشر ساخت که پس از ۲۵ روز و در دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۰، برادر ارجمند جناب آقای مهندس مصطفی کتیرائی توضیحی بر آن نوشتند و در اطلاعات درج گردید که شامل چند نکته بود:
۱- "متاع" یک سازمان اسلامی یا سیاسی نبود، بلکه "یک تشکل بر اساس مکتب تربیتی- اجتماعی، عملی بود.
۲- این تشکل نه تنها اصول دهگانه‌ای نداشت، بلکه اساسنامه هم نداشت.
۳- دکتر یدالله سحابی، سید غلامرضا سعیدی، دکتر مهدی حائری یزدی و مهندس سید محمد باقر رضوی، عضو آن نبوده‌اند.
۴- محمد باقر رضوی مهندس نبود، وکیل دادگستری بود.
۵- فعالیت این حرکت ناکام نماند و متوقف نشد. فقط اعضای آن عوض شدند.

اما تصحیحات:

۱- متاع اگر "یک تشکل بر اساس مکتب تربیتی - اجتماعی" عملی بود، چگونه می‌تواند اسلامی یا سیاسی نباشد؟ اصول دهگانه مکتب متاع نشان می‌دهد که بر خلاف مکتب ایرانی! "متاع" ریشه در اندیشه اسلامی دارد و هدف آن تربیت مردم بر اساس مکتب اسلام است... و وقتی هدف نهائی چنین باشد، این تشکل، نمی‌تواند اسلامی یا سیاسی نباشد. و شاید بر همین تصور باشد که آقای جلال فارسی در خاطرات خود نام آن را "مکتب تربیتی عملی اسلامی" ذکر کرده که البته در اصل کلمه "اسلامی" ذکر نشده است. (زواویا تاریخ، صفحه ۲۱)

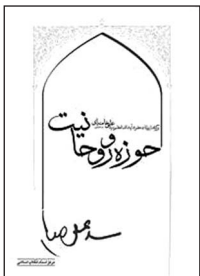
اینکه "متاع" را بنده در آن مقاله حرکتی "اسلامی تر" نامیده بودم، به این سبب بود که "نهضت مقاومت ملی" پیش از متاع، حرکتی بود که پایه گذارانش از مرحوم آیت الله حاج سید رضا زنجانی بگیریید تا مرحوم محمد نخشب و دیگران، همه "اسلامگرا" بودند و پس از مدتها، بعضی از اعضای احزاب "ملی گرا" - وابسته به جبهه ملی - هم به آن پیوستند و دلیل همکاری ما با نهضت مقاومت و متاع نیز همان اسلامگرا بودن آن حرکت‌ها بود. نه به علت ادامه "راه مصدق"...

۲- موجب تعجب است برادر مکرم جناب آقای مهندس کتیرائی که خود را از مؤسسين و

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مورخ، سرمایه ارزشمندی است که وی را همه جای آثارش از گزند خطا و خیانت و انحراف مصون می دارد. این دقت و تأمل در بررسی رویدادهای منتهی به انقلاب اسلامی و حوادث سه دهه اخیر اهمیت بیشتری دارد. سیر تحولات شکل گیری، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی، حرکت کشور به سوی استقلال، حاکمیت ملی و عدم وابستگی سیر پر فراز و نشیبی است که نویسندگان فراوانی کوشیده اند به آن پردازند. لیبرال ها، سلطنت طلبان، فراماسون ها و کمونیست ها از جمله کسانی بودند که درباره انقلاب اسلامی قلم زده اند و آثار خود را منتشر کرده اند. در این میان شناخت سره از ناسره به نقدی منصفانه و منطبق با حقایق انقلاب اسلامی نیازمند است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی بدان همت گماشته است.

حوزه و روحانیت برگرفته از بیانات حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)



پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی وظایف سنگینی را بر عهده روحانیت نهاد که لزوم تحرک بیشتر در جامعه و تأسیس مؤسسات وابسته به حوزه و ارتباط پویا و مداوم با نهادهای دیگر جامعه اسلامی را ایجاد می کرد. روحانیت شیعی بعد از پیروزی انقلاب ضمن حفظ و استمرار وظایف سنتی روحانیت در کسب دانش متعارف حوزوی و تبلیغ دین، به تحول در روش ها و تخصصی کردن رشته های تحصیلی حوزوی و ساماندهی و برنامه ریزی برای استفاده بهینه از امکانات این نهاد دست زدند. این اثر فرمایشات و بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اساتید، فضلا و نخبگان حوزه های علمیه مختلف کشور است که در زیر عناوین متنوع تدوین و ساماندهی شده است.

بعث

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسر و شاهی

سردبیر:

سید محمود خسر و شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (مفاتیح) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۳۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com

فرهنگ سیاسی در ایران



یکی از لایه ها و وجوه فرهنگ عمومی، فرهنگ سیاسی است. مفهوم فرهنگ سیاسی هرچند نزدیک به چندین دهه عمر دارد، اما در ادبیات سیاسی ایران چندان شناخته شده نیست و در پژوهش ها کمتر مورد توجه قرار می گیرد. شناخت فرهنگ سیاسی جامعه و نوع نگاه مردم به سیاست می تواند زمینه ساز مناسبی برای برنامه ریزی اجتماعی و سیاسی باشد. شناخت فرهنگ سیاسی یک ملت کمک می کند تا ارزش ها، باورها و ایستارهای احساسی مردم آن سرزمین را درک کرده و از نوع رفتارهای سیاسی و غیر سیاسی آنان اطلاع داشته باشیم.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان خارج از کشور به روایت اسناد



فعالیت اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات دانشجویان مسلمان فارسی زبان بود که توانست با حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی خود، راه را برای فعالیت دانشجویان مسلمان معترض هموار نموده و سازمانی ایجاد نماید که به علت حضور نیروهای معتقد و مبارز و همچنین عدم وابستگی به نهاد و یا سازمانی، در عرصه فعالیت خود همکاری مستمری با مبارزات اسلامی داخل ایران داشته باشد. فعالیت این تشکل اسلامی که بر خودسازی و خودآگاهی تأکید داشتند با ورود به عرصه سیاست گسترده تر شد و با روحانیون به خصوص امام خمینی (ره) همکاری مستعمری برقرار نمود و به تنها سازمانی تبدیل شد که توانست تأیید امام و جامعه روحانیت را در مبارزات اسلامی انقلابی به دست آورد.

نقد تاریخ نگاری انقلاب اسلامی (کتاب دوم)

بزرگ نمایی و افراط در تاریخ نگاری به اندازه اغماض های بیجا و برخورد های تفریطی و انفعالی زیان آور است و هر دو، جامعه تشنه حقیقت را به گمراهی می کشاند. واقعی گرایی، حقیقت بینی و دقت توأم با صداقت یک

فعال سیاسی مصر:

عشق به اهل بیت (ع) از دلایل مهم دشمنی آل سعود با مردم مصر است

آن ها ضریح سادات خاندان اهل بیت (ع) وجود دارند، تخریب کنند، اما بلافاصله با مواجهه سریع و صریح أحمد الطیب، شیخ الأزهر، مبنی بر حکم اعدام برای کسانی که درصدد تخریب مساجد بر بیایند، روبه رو شدند.

الغندور خاطر نشان کرد: عربستان سعودی مزدور آمریکا در منطقه خاورمیانه است که در جهت تحقق منافع استکبار جهانی در این منطقه تلاش می کند و در این راستا خیانت های بزرگی را به مردم مصر کرده است.

عضو سابق مجلس ملی مصر درباره نهضت بیداری اسلامی و تسخیر سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره افزود: من در انقلاب مصر در میان جوانان مصری حضور داشتم و افتخار شرکت در این انقلاب بزرگ را دارم، اما در تسخیر سفارت رژیم صهیونیستی به خاطر این که در تهران بودم، شرکت نکردم و از این مسئله بسیار ناراحت هستم که افتخار شرکت در این رویداد تاریخی را نداشتم.

الغندور درباره پیامدهای تسخیر سفارت رژیم اشغالگر صهیونیستی در قاهره و موضع حکومت مصر نسبت به این مسئله تصریح کرد: جوانان مصری با شرکت در تظاهرات میلیونی و تسخیر سفارت اسرائیل که منجر به فرار سفیر این رژیم از مصر شد، پیام خود را مبنی بر این که دیگر در برابر استکبار کوتاه نخواهند آمد، به «واشنگتن» و «تل آویو» رساندند.

وی در ادامه اظهار کرد: جوانان مصری در پیام خود به اسرائیل و آمریکا اعلام کردند که کشورشان پس از پیروزی انقلاب بیداری اسلامی با مصر پیش از آن، متفاوت است و اگر مبارک در برابر شما تعظیم کرد و به فرمان های شما گوش سپرد، ما این کار را نخواهیم کرد.

هشدار در مورد کتاب های غیر عقلانی در حوزه دعا

اشتباه دانست و گفت: نبود نظارت بر کتاب های دعا به جامعه آسیب می زند. مردم فکر می کنند کتابی که ارشاد مجوز داده، معتبر است. لذا قطعاً لازم است این کتاب ها توسط افراد خبره و آشنا به علوم حدیث هم نظارت شوند.

حجت الاسلام سیاسی گفت: با نگاه اجمالی که به این کتاب ها داشتم به نظرم برخی از اینها معتبر نبودند.

مدرس عالی حوزه علمیه قم درباره انتشار کتاب هایی با موضوع قدرت فکر و تمرکز و رابطه آن با اندیشه دینی گفت: درباره نشر کتاب نمی توان افراد را محدود کرد تا افراد نظر خود را مطرح نکنند، اما بر همین ها هم باید نظارت شود تا مطالب کذب و بی اساس نباشد.

وی ادامه داد: زمانی هست که فردی نظر علمی دارد باید اجازه داد که این نظر مطرح شود و افراد آن را نقد و بررسی کنند ولی زمانی هست که اینگونه کتاب ها فقط برای درآمدزایی منتشر شده اند و تولید فکر مد نظر نبوده است که در این صورت باید با اینگونه مطالب که مبنای علمی و عقلی ندارد برخورد کرد.

عشق به اهل بیت (ع) یکی از ویژگی ها و بخشی از میراث فرهنگی مردم مصر از دوران حکومت تاریخی فاطمیان در این سرزمین تاکنون است و این مسئله یکی از دلایل دشمنی حکومت وهابی سعودی با مردم مصر، پس از پیروزی انقلاب مردمی این کشور است.

محیی الدین الغندور، فعال سیاسی شیعه مصر، عضو سابق مجلس ملی این کشور، عضو اسبق حزب الأحرار و مدافع جنبش جوانان ۲۵ ژانویه پس از پیروزی انقلاب مصر، در گفت و گو با (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: مردم مصر در حالی به اهل بیت (ع) عشق می ورزند و آنان را مقدس می دانند که اکثریت آنان از اهل تسنن هستند و حتی با مذهب تشیع آشنایی زیادی ندارند، اما با وجود این مسئله به ایشان توسل می کنند و شفاعت دنیا و آخرت را از آنان می طلبند.

وی افزود: عشق به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) یکی از ویژگی ها و بخشی از میراث فرهنگی مردم مصر از زمان حکومت فاطمیان تاکنون است و این مسئله یکی از دلایل سیاست های ضد مصری حکومت سعودی در دوره پس از پیروزی انقلاب مردمی این کشور است و حتی در این راستا یکی از علمای عربستان، خوردن گوشت حیوانی را که به دست مصری ها ذبح شده باشد، جایز نمی داند و این شیخ سعودی صراحتاً فتوای مذکور را به خاطر حب مردم مصر نسبت به اهل بیت (ع) اعلام کرده اند.

الغندور تصریح کرد: عربستان برای گسترش وهابیت در مصر تلاش می کند و مردم مصر آگاهانه با آن مبارزه می کنند. وهابی ها پس از پیروزی انقلاب در مصر به صراحت اعلام کردند که قصد دارند مراقد امام زاده ها و مساجدی را که در

مدرس عالی حوزه علمیه قم با اشاره به اینکه نبود نظارت بر کتابهای دعا به جامعه آسیب می زند، گفت: مردم فکر می کنند کتابی که ارشاد مجوز داده، معتبر است بنابراین اطمینان می کنند و همین امر تأکیدی است بر لزوم نظارت جدی مسئولان امر به انتشار کتابهای دعا.

حجت الاسلام کاظم سیاسی آشتیانی مدرس عالی حوزه علمیه قم درباره لزوم نظارت بر کتاب های دعای منتشر شده در بازار به مهر گفت: نظارت بر این کتاب ها ضروری است، حتی درباره کتابی مثل مفاتیح الجنان هم باید تمام احادیث از حیث سند بررسی شوند و غیر از آنها که سند مشخص دارند، بقیه باید سندیابی شوند. وی انتشار کتاب های دعا را دلیلی بر صحت آنها ندانست و گفت: صرف انتشار به معنی صحت این کتاب ها نیست. متأسفانه گاهی مطالبی منتشر می شود که درست نیست. اینکه اگر فلان دعا خوانده شود ۵۰ سال نماز شما را کفایت می کند، مطلب صحیحی نیست. لذا ضروری است که هر یک از اینها سندیابی و ارزیابی شود.

این پژوهشگر علوم دینی عدم نظارت بر کتاب های دعا را

مجله «تراثنا» بیست و پنج ساله شد

گفت: این مجله امروز حضور در خشان خود را جشن گرفته است و در یاد خود خاطره افراد بزرگی را دارد که فراموش نمی شوند و در رأس آنها عبدالعزیز طباطبایی (قدس سره) است که حکم پدری حامی و ناظر را برای این مجله دارد.

در ادامه این مراسم مهندس مصطفی جمال الدین مدیر دفتر ادبی در نجف نیز قصیده ای را با عنوان «حنوط کنندگان به عطر میراث» برای حاضران خواند. رئیس بخش اصول الدین در دانشگاه تونس نیز ضمن تقدیر از مجله تراثنا تأکید کرد: صدور مستمر این مجله در طول ربع قرن خود گواه صدق نبی است که کاملاً با محتوای آن مطابقت دارد.

در پایان این مراسم دکتر «مارتن مکدرموت» مستشرق متخصص در میراث کلامی امامیه نیز در سخنانی دقت و قاطعیت علمی را از ویژگی های مجله میراثنا خواند و تأکید کرد: این مجله نیازمند جمع تاریخ فرهنگی جمعیت امامیه و گسترش آن، گسترش اندیشه امامی، ادبیات اندیشه و کلام به عنوان بخشی از میراث ماست.

مراسم گرامیداشت بیست و پنجمین سال صدور مجله «تراثنا» در لبنان و با حضور شخصیت های علمی و فرهنگی برگزار شد.

مؤسسه «آل البیت للاحیای تراث» در لبنان بیست و پنجمین سال صدور مجله «تراثنا» را در مجمع فرهنگی امام صادق (ع) و با حضور تعداد بسیاری از شخصیت های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی گرامی داشت.

در مراسمی که به همین منظور برگزار شد، پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، محمدرضا جلالی «محقق و استاد حوزه علمیه در سخنانی با اشاره به ضرورت توجه به میراثی که از گذشتگان برجای مانده است، بر اهمیت جهت دهی پژوهشگران و محققان به سوی نظریه ها و پیشنهادهایی که از گذشته بر جای مانده و می تواند بشریت را به معانی خیر عدالت و مساوات رهنمون گردد، تأکید کرد.

«حامد خفاف» مدیر دفتر آیت الله سیستانی در بیروت و مدیر مؤسسه آل البیت (ع) نیز با تجلیل از مؤسس مجله (تراثنا)